

نامه مردم

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۸
چهارشنبه ۵ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵ دیال

کشف شبکه جاسوسی آمریکا و انگلیس در اصفهان و لزوم قاطعیت انقلابی در سرکوب توطئه های ضد انقلاب

صفحه ۲

در صفحات بعد

مائوئیسم - همکار امپریالیسم بر ضد انقلاب ایران

صفحات ۳ و ۶

هشدار وزارت کار و امور اجتماعی رابه مالکین واحدهای تولیدی را که مانده چگونه تلقی کنیم

صفحه ۴

اتحادیه دهقانان چیست و چرا باید آنرا تشکیل دهیم

صفحه ۵

مردم از تاخیر در معرفی دولت نگرانند

این واقعت اکنون بیش از هر زمان دیگر آشکارتر میشود که امپریالیسم آمریکا با بکار گرفتن تمام قوای اهریمنی دنیای سرمایه و تمامی نیروی چپمنی متحدان اروپائی و دست نشاندهان آسیائی و آفریقائی، توطئه عظیمی را برای انهدام جمهوری اسلامی ایران و پخشون کساندن انقلاب ایران، تدارک دیده و درصدد اجرای آنست. این توطئه عظیم، که ابعاش هر روز بواسطه توافقی برانگیزه آشکارتر میشود، بحق تکرانی مردم انقلابی ایران و کلیه نیروهای علاقمند به سرنوشت انقلاب و مبولوشن جمهوری اسلامی ایران را برانگیخته است.

در چنین شرایط پس حساسی که انقلاب ایران در یکی از نقاط عطف سرنوشت ساز خود قرار گرفته است، بیشک تجمع و تمرکز تمام نیروی مردم، بویژه مسئولین جمهوری اسلامی ایران، علیه این اقدامات تبهکارانه برانداخته امپریالیسم آمریکا و متحدان و سرسپردگان خارجی و مزدوران داخلی، ضرورتی حیاتی و گریز ناپذیر کسب می کند، که هرگونه تعلل و سسامحه در آن، ممکن است بعواقب وخیمی منجر گردد، که جبران آنرا دشوار و یا حتی غیر ممکن سازد.

بهمین دلیل مردم ایران و نیروهای انقلابی متحد و مسئول، با تکرانی به امر تاخیر در معرفی کابینه و آغاز کار نخستین دولت قانونی جمهوری اسلامی ایران برخورد می کنند و خواستار استعرا هر چه سریعتر آخرین پایه قانونی جمهوری اسلامی ایران - که باید نقش مهمی در پیچ توطئه های سرمد علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا، علیه سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ، علیه بیوندنهای وابستگی و در جهت تأمین استقلال، آزادی و رفاه توده های زحمتکش، ایفا کند هستند. تاخیر در معرفی نخستین دولت جمهوری اسلامی ایران به مجلس

شورای اسلامی و ادامه جو صدم نظام در میان مسئولین جمهوری اسلامی ایران، از یکطرف افکار و هشایز این مسئولین راه که باید تمام و کمال متوجه این هدف فوری و اساسی باشد، که توطئه عظیم و خطرناک امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را عقب گذارند، بجانب درگیری های ناروای درونی هرز می برد و مشرف میسازد و وقت گرانبهایی را که باید صرف پیچ توطئه های مردم و کلیه نیروهای انقلابی، بیکبری و شسلسالی شبکه های توطئه و درهم کوبیدن آنها گردد، در مسیری خلاف مصالح انقلاب سوق میدهد.

از طرف دیگر تاخیر در آغاز کار دولت آینده، که باید به شیوه های انقلابی، و با برنامه های علمی با اتخاذ تدابیر قاطع و بنیادی بسوز زحمتکشان و به زیان مستکبران، انتظارات بحق توده های محروم و زحمتکش را بر آورده سازد و بدینسان جبهه انقلاب را تقویت و تحکیم کند، به امر حیاتی پیچ توده مردم، زیان میرساند و به ناراضائی، نومییدی و بدبینی آنها دامن میزند.

برای توده های انقلابی مردم ایران، که با تحمل تمامی مشقات و فداکاریها و با دادن قربانیهای فراوان رژیم دست نشانده پهلوی را سرنگون کرده اند و باز با تحمل گرسنگی، فقر، بیکاری و گران و در مقابله با توطئه های خائنه شیطان بزرگ - آمریکا، یک بیک پایه های قانونی جمهوری اسلامی ایران را مستقر ساخته اند، ادامه تاخیر در معرفی دولت، مقوم نیست.

توده های مردم می طلبند که هر چه سریعتر دولت جمهوری اسلامی ایران، با برنامه ای انقلابی بسوز استقلال، آزادی، ترقی و رفاه مردم مین ماه به مجلس شورای اسلامی ایران معرفی شود و آغاز بکار کند. تاخیر در انجام این خواست، بیشک به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

آزادی فعالیت سیاسی برای همه گروهها و سازمانهای مؤمن به انقلاب

جبهه اسلام هفتمی
رئیس جبهه ای، رئیس مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه مطبوعاتی هنگامی خود، که روز سوم شهریور در تالار مطبوعات مجلس برگزار شده در پاسخ سوال یکی از خبرنگاران مبنی بر علت جلوگیری از فعالیت سیاسی مجاهدین خلق، قضایان خلق، حزب توده ایران و گروههای دیگر در شهرهای آبادان و خرمشهر، و اینکه مجلس در رابطه با فعالیت گروههای سیاسی موجود چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد اظهار داشت که:

من این را قیلام گنم
اگر در چهارچوب قانون اساسی گروهها حاضر به فعالیت سیاسی سالم باشند وقت و مراعات بکنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بهم که قانونی باشند و فعالیت بکنند. شروط به مراعات قانون مجلس حقیقتا حمایت میکند. پاسخ رئیس مجلس شورای اسلامی، بویژه از آنجیت امید به حکومت قانون را در دلها باروز میسازد که ایشان بر اساس قوه قانونگزاری قرار دارند، این پاسخ مورد تأیید کامل تمام گروههای سیاسی مومن به انقلاب و از جمله حزب توده ایران است، که خود به قانون اساسی جمهوری اسلامی رای مثبت داده و پیوسته اجرای قانون و استقرار نظم انقلابی را طلب کرده است. شواهد و میارهایی که جبهه اسلام رفتجالی برای فعالیت قانونی گروههای سیاسی خاطر نشان کرده اند، برای حزب ما مقبول و پذیرفتنی است، زیرا که فعالیت حزب توده ایران دقیقاً در این چهارچوب و بنا مراعات آکید همین ضابطه ها و میارها بوده است.

حزب ما بر اساس مشی اصولی انقلابی خود از انقلاب ۲۲ بهمن و نظام بر خاسته از آن، یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران با تمامیرید و امکانات پشتیبانی کرده است، و این پشتیبانی نه مانور تبلیغاتی است، نه تاکیک روز، نه موافریبی و نه نقشه ویژه، بلکه از آنجا نشأت میگیرد که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را، انقلابی و نظامی مخالف با سلطه امپریالیسم، استقلال طلب، خلقی و خواهان بیروزی توده های محروم و زحمتکش تشخیص داده است. حزب توده ایران در پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی، صدیقی به شفافیت نور داشته است و در این رهگذر از هر گونه حسابگری و خود محوریتی مبرا مانده و تنها محرك آن مشی اصولی و انقلابی آن بوده است، که دشمن هر گونه سلطه امپریالیسم و نواستعمار خواهان سعادت و نیکی توده های محروم است که طی قرون بر آنان ستم رفته است.

اسناد صداقت و وفاداری ما به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، بیش از سصد شماره نامه مردم، از گران مرکزی حزب است، که از خلال سطر سطر آن متق عمیق توده های با حفظ دستاوردهای انقلاب، تداوم و بیروزی آن مجلسی است؛ شماره های مجله دنیا از گران سیاسی و تویزیک کمیته مرکزی حزب است، که صفحات آن گواهمان وفاداری

بقه تر صفحه ۸

مهندس آشتیانی سرپرست شرکت ملی فولاد ایران: از ماههای اول انقلاب تا کنون (ذوب آهن اصفهان) یکی از موسسات کارگری نادری بوده که وظایف خود را بنحوشایسته انجام داده است

مهندس آشتیانی سرپرست شرکت ملی فولاد ایران در دیدار در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس شایعات موجود در زمینه کمبود ذغال سنگ جهت استفاده ذوب آهن اصفهان را رد کرد. وی ضمن تأکید بر اهمیت ذوب آهن و تشریح فعالیت های مثبت هیئت این سازمان از آغاز انقلاب تا کنون اظهار داشت از ماههای اول انقلاب تا کنون یکی از موسسات کارگری نادری که وظایف خود را به نحو شایسته انجام داده، بطوریکه بهر برداری از آن بیش از زمان طاغوت بوده، ذوب آهن است، که متاسفانه همیشه مورد کم لطفی اکثر مقامات مسئول قرار گرفته است. در حالیکه این صنعت مادر اساسی ترین و لادترین صنعت زیربنایی کشور بوده و باید مورد توجه خاص دولت قرار گیرد. مدیر عامل شرکت ملی فولاد در زمینه شایعات مربوط به کمبود ذغال سنگ گفت: بیشتر اظهار نظرها از سوی افراد غیر متخصص است، زیرا ذغال سنگ مورد احتیاج ذوب آهن تنها از معادن کرمان تأمین نمیشود، بلکه از چهار واحد معدنی کرمان، زیراب، شاهرود و سنقر و ذغال سنگ لازم تأمین میشود. وی افزود معادن کرمان از فعالترین معادن ماست و کارگران کرمان تا کنون کلیه برنامه های محوله را بخوبی اجرا و کمبود معادن دیگر را نیز تأمین کرده اند. مهندس آشتیانی همچنین گفت یکی از دلایل اصلی ایجاد تکرانی در مورد کمبود ذغال سنگ در حال حاضر، عدم تمویل ذغال خارجی است که قبلاً از آلمان فدرال تأمین میشد، ولی به علت تحریم اقتصادی از صدور آن به ایران جلوگیری شده است. سرپرست شرکت ملی فولاد ایران افزود: البته اشکالات فنی در معادن سنقر و زیراب وجود داشت که بهمدالله در حال بر طرف شدن است. وی در این مورد همچنین گفت: مسئله ورود ذغال سنگ از آلمان نیز در

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام: با کوچکترین حرکت نظامی آمریکا جاسوسان یکجاریهسپار جهنم خواهند شد

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در یکصد و چهل و دومین اطلاعیه خود درباره توطئه آمریکا برای به اصطلاح نیجات گروهگانها هشدار دادند. در اطلاعیه از جمله آمده است: ... کارتر باید بداند که اگر این گروه به مرکز جاسوسی آمریکا در تهران حمله کرده بودند اکنون از هیچیک از آنها و از ۵۰ نفر جاسوس خبری نبود و همه رهسپار جهنم شده بودند.

(امام خمینی بمناسبت حمله نظامی آمریکا در طبرستان)

ملت بیدار دل و رزمنده و غیور ایران پر شک انقلاب عظیم اسلامی ایران به رهبری بششک زمان حضرت امام خمینی در مسیر موفقیت های خود چنان قدرت تفکر را از کار برد که در هیئت حاکمه آن سلب کرد که دیگر کمترین آمیدی برای دولت جنایتکار

آمریکا باقی نگذاشته و بناچار دست به مانورهای احقانه نظامی در خلیج و تقویت نیروهای مزدور وابسته در مرز عراق زده است... گویا توطئه رسوای کودتا را که با شکست مقتضایه مواجه شد و باعث دستگیری و به هلاکت رسیدن عوامل و پایدی مزدور شگفت از یاد برده است و هنوز به دنبال ملامت و شموات شیطانی خود در تلاش است و رامیه جانی نمی برد.

امروز که مبارزات دلورانه دانشجویان مسلمان، این فرزندمان راستین اسلام در آمریکا - انگلیس - ایتالیا - فرانسه و سایر نقاط عالم و بهغل و زنجیر کشیدن این عزیزان به دست مزدوران آمریکا در خود آمریکا، یا در دیگر کشورهای سرسیره آمریکا می رود تا این ابرقدرت عالی خوار را به خاک رسوائی کشاند کارتر پلید راهی جز شکست انقلاب

اسلامی ایران نمی بیند. ما ضمن هشدار به ملت میبای رزم و دلور ایران اعلام میکنیم از آنجایی که در حال حاضر مسئله جاسوسان آمریکا که نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری است تعیین کننده میباشد، لذا درصدد هستیم که به نحوی خود را از آثار مرگبار این جریان نجات دهند و قبل از اتخاذ تصمیم قاطع از طرف مجلس شورای اسلامی به خیال خام خود آنها را آزاد کنند ولی زهی خیال باطل که تا روشن شدن سرنوشت جاسوسان آمریکائی همچنان بطور سرسخت از آنها تکبذاری میکنیم و همانطور که امام استغفرموندفاکر تا روز تعیین تکلیف جاسوسان آمریکائی جهان خوار کوچکترین حرکت نظامی از خود نشان دهد حمله کنندگان و جاسوسان به یکجا رهسپار جهنم خواهند شد. ما در هر حال آماده یابش کامل بوده و برای خنثی کردن هرگونه توطئه احتمالی بر آن شدیم تا محل تکبذاری آنها را در شهرستانها به جای نامعلوم دیگری منتقل کنیم در حال حاضر آن عده جاسوسانی که در شهرهای شیراز و گرگان، زنجان و قزوین تکبذاری شده اند به نقاط نامعلوم دیگری منتقل کرده ایم.

اسلامی ایران نمی بیند. ما ضمن هشدار به ملت میبای رزم و دلور ایران اعلام میکنیم از آنجایی که در حال حاضر مسئله جاسوسان آمریکا که نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری است تعیین کننده میباشد، لذا درصدد هستیم که به نحوی خود را از آثار مرگبار این جریان نجات دهند و قبل از اتخاذ تصمیم قاطع از طرف مجلس شورای اسلامی به خیال خام خود آنها را آزاد کنند ولی زهی خیال باطل که تا روشن شدن سرنوشت جاسوسان آمریکائی همچنان بطور سرسخت از آنها تکبذاری میکنیم و همانطور که امام استغفرموندفاکر تا روز تعیین تکلیف جاسوسان آمریکائی جهان خوار کوچکترین حرکت نظامی از خود نشان دهد حمله کنندگان و جاسوسان به یکجا رهسپار جهنم خواهند شد. ما در هر حال آماده یابش کامل بوده و برای خنثی کردن هرگونه توطئه احتمالی بر آن شدیم تا محل تکبذاری آنها را در شهرستانها به جای نامعلوم دیگری منتقل کنیم در حال حاضر آن عده جاسوسانی که در شهرهای شیراز و گرگان، زنجان و قزوین تکبذاری شده اند به نقاط نامعلوم دیگری منتقل کرده ایم.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران متحد شویم!

اتحاد شوروی در عمل نشان داده است که دوست و مدافع راستین انقلاب فلسطین است

یاسر عرفات: امروز ملت ما با جنگ و آشوب و بیروستی و ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که شما (اتحاد شوروی) نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقشه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشتند، در کنار ما ایستادید.

این تصور که گویا دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بر سر مسئله فلسطین در حال توافق و بند بست با صهیونیسم امپریالیسم جهانی است و در حرف از فلسطین دفاع می‌کند و در عمل به آنها از پشت خنجر می‌زند، چندی است که در نزد برخی از دولتمندان و همچنین رسانه‌های گروهی و مطبوعات جمهوری اسلامی ایران هواخواهان پیدا کرده است.

این پندار اگر از جانب آنکه در عمل دارای صداقت انقلابی هستند، طرح شود، دلیل بر عدم آگاهی از وقایع و عملکرد واقعی اتحاد شوروی در قبال مسئله فلسطین است. اگر از جانب مترضان و کج‌اندیشان طرح شود، ما را کاری با آن نیست. تاریخ خود بارها جوابگوی چنین تصوراتی بوده و اکنون نیز جوابگوی آنها خواهد بود. ما در این جا بصورت اول مواجهیم. از این دو برای آنانکه جویای حقیقت‌اند، یادآوری‌کنان چند پیرامون دفاع صادقانه اتحاد شوروی از انقلاب فلسطین و برخورد رهبران خلق فلسطین به این مسئله را ضرور میدانیم.

خلق فلسطین در رویارویی مستقیم با صهیونیسم و حامی آن امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکایی، پشتیبانی جهانی نیروهای ضد امپریالیسم و آزادیخواه را همواره با خود داشته است. مبارزات حقیقت‌آمیز خلق فلسطین در راه آزادی سرزمین‌های اشغالی علیه اسرائیل تجاویزگر، از نخستین روز مورد پشتیبانی همه‌جانبه کشورهای جامعه سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بوده است. اتحاد

شوروی در تمامی همواره‌ها، چه در صحنه نظامی و چه در صحنه سیاسی، چه از طریق رساندن آذوقه، دارو و اسلحه و چه در پشت تریبون‌های سازمان ملل و دیگر مجامع بین‌المللی، از حقوق مردم فلسطین و انقلاب فلسطین دفاع کرده است. دفاع اتحاد شوروی از انقلاب فلسطین نه‌صحنه‌است و نه هوافریبی. این دفاع نه منور سیاسی است و نه تا تکیه. این دفاع بر مبنای اصول سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی انجام می‌گیرد، که پشتیبانی از جنبش‌های رها می‌بخشی ملی از ارکان آن است.

اتحاد شوروی بارها تاکید کرده است که یگانه راه حل مسئله فلسطین خروج واحدهای نظامی اسرائیل از تمامی سرزمین‌های اشغالی شده و شناسایی حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین و حق تشکیل یک دولت مستقل است.

در همین زمینه، در مذاکرات مهمی که در آبان ماه ۵۸، در مسکو، بین رهبران شوروی و یاسر عرفات انجام شده، اتحاد شوروی یکبار دیگر اعلام کرد که قاطعانه از مبارزه برحق خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم حمایت می‌کند.

اتحاد شوروی به شهادت تاریخ نشان داده است که هیچگاه از سیاست اصولی خود در مورد انقلاب فلسطین عقب‌نشسته است. از این روست که رهبران جنبش فلسطین به کرات پشتیبانی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای ترقی‌خواه از جنبش فلسطین را ارج نهاده‌اند و آنرا از جمله وثیقه‌های مطمئن کسب بی‌روزی‌نهایی خود خوانده‌اند. در این زمینه اظهارات رسمی رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین موبد این نکته است که اتحاد شوروی به آنچه گفته، عمل کرده است.

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، در پیامی که به مناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب اکتبر برای تئودور بژوف دیپلومات کیهت مرکزی حزب کمونیست و صدر شورای عالی اتحاد شوروی ارسال داشت، در ارتباط با کمک‌های بی‌شائبه اتحاد شوروی به انقلاب فلسطین یادآور شد:

«امروز ملت ما با جنگ و آشوب و بیروستی و ما هرگز فراموش نمی‌کنیم

که شما نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقشه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشتند، در کنار ما ایستادید. ما ... همواره کمک و امداد برادران سوسیالیست خود را و نیز کمک‌های اتحاد شوروی را مفتخر می‌شوریم.

یاسر عرفات هنگام دیدار خود از اتحاد شوروی، در همین سال گذشته، در پایان مذاکرات با رهبران شوروی اظهار داشت:

«ما خوشحالیم که مبارزه ما در میان لنین بزرگ، یعنی اتحاد شوروی از قلم و حمایت کامل برخوردار است. سرزمینی که خلقهای آن برای نخستین بار راه آزادی و استقلال واقعی را به خلقهای جهان نشان داده‌اند. کمک‌های اتحاد شوروی به خلقهای عرب برای ما در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و صهیونیسم، توانبخشی است. ما انتقاد داریم که دوستی میان خلق فلسطین و اتحاد شوروی روز بروز مستحکمتر خواهد شد.»

ابوصدر، سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین، در پایان کار کنفرانس کشورهای عضو جبهه پایداری، که چندی پیش در طرابلس برگزار شد، در ارتباط با تحکیم روابط کشورهای عضو جبهه پایداری و اتحاد شوروی، به خبرنگاران گفت:

«کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس جبهه پایداری در آخرین جلسه خود، لزوم تحکیم روابطشان با کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی را مورد تأیید قرار دادند.»

اظهارات فوق بیانگر یک واقعیت است و آن اینکه: اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در عمل نشان داده است که پیگیرترین مدافع حقوق و خواستهای خلق فلسطین و دیگر خلقهای جهان است. گمان این واقعیت زنده، یعنی چشمپوشی برصفت‌های گرانپایه از اتحاد جنبش‌های رها می‌بخشی ملی و کشورهای سوسیالیستی در زرم‌مشترک علیه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکایی!

کشف شبکه جاسوسی امریکایی در اصفهان، لزوم قاطعیت انقلابی را در سر کوب توطئه‌های ضد انقلاب تاکید میکند

هنگامیکه روزنامه‌ها اطلاع دادند که دیپلماتهای انگلیسی جل و یاسی خود را یواشکی جمع کرده و رفته‌اند و تنها دو سه نفر از آنان در تهران باقی‌مانده‌اند، ما حسی زدیم که امریالیسم بریتانیا، «سه‌گل زبانی» به آب داده و برای گریز از عواقب آن، دیپلماتهای انگلیسی فرار پنهانی را بر قرار ترجیح داده‌اند. بریزور که اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان در روزنامه منتشر شد و از ایام توطئه‌های که سرویسهای جاسوسی انگلستان و امریکا در ایران تهیه دیده بودند، پرده برداشت، رمز تخلیه سفارت انگلستان در تهران روشنتر گشت. معلوم شد که انگلیسها، که پس از انقلاب خودشان راه موش‌مردگی زده بودند و با سیاست کج‌دار و مریزشان خود را نسبت به انقلاب ایران «بیطرف» نشان میدادند، گردانندگان یکی از بزرگترین شبکه‌های جاسوسی و ضد انقلابی در ایران بودند. چشم کسانی که امیدوار بودند از اروپای غربی و ژاپن بر ضد امپریالیسم امریکایی و بنفع انقلاب ایران استفاده کنند روشن!

ما از همان نخستین روزهای انقلاب فریاد زدیم که امریالیسم یک سیستم واحد جهانی است و در بین اجزای آن اصل: جو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماندن قرار (یا اعتدال از استاد سخن سندی، که این بیت زیبای او را در چنین موردی بکار میرسیم) تمام بی کمال حکمفرماست و این گفته بخصوص در مورد کشورهای نظیر انگلستان و ایالات متحده آمریکا صادق‌تر است. همکاری بین‌انحصارات انگلیسی و امریکایی و دولتهای این دو کشور، که از نمایندگان همان انحصاراتند، در دوران پس از جنگ، بویژه در دوران مبارزه علیه جنبش ملی‌شدن نفت در ایران وارد مرحله تازه‌ای گشت.

انگلستان، که پس از جنگ دوم جهانی بتدریج به یک دولت درجه دوم تبدیل میشد (امروز انگلستان از لحاظ تولید صنعتی ششمین کشور جهان است) بدون پشتیبانی ایالات متحده، که در آن زمان با فاصله زیادی در راس دنیای سرمایه‌داری قرار داشت، نمیتوانست بقایای نفوذ خود را در جهان سوم، بخصوص منطقه خاور نزدیک و میانه، که برایش اهمیت حیاتی داشت، حفظ کند. امریالیستهای امریکایی نیز که باین منطقه بدلیل ذخایر نفتی و موقعیت استراتژیکی چشم‌مطم دوخته بودند، بدون همکاری با انگلستان، که شبکه گسترده‌ای از سازمانهای مخفی سیاسی (نظیر فراماسونری و فیره) و اطلاعاتی (نظیر آنچه در اصفهان کشف شد و در سایر نقاط هنوز کشف نشده است) در دست داشت و محافل حاکم کشورهای این منطقه زیر نفوذ آن بودند، نمیتوانستند جای پای خود را در این کشورها محکم کنند.

امپریالیستهای انگلیسی و امریکایی بر پایه این نفع مشترک در سیاستهای سلطه‌جویانه خود در منطقه خاور نزدیک و میانه بتوافق رسیدند. همکاری آنان در جریان کودتای ۲۸ مرداد محصول این توافق بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و تحکیم موقعیت‌های سابق، شبکه‌های نیرومند اطلاعاتی امریالیسم امریکایی و انگلستان فعالیت خود را در تهران متمرکز نمودند و تهران را مرکز فعالیت جاسوسی خود در تمام منطقه تبدیل کردند. همکاری بین سرویسهای جاسوسی انگلستان و امریکا، که اسرائیل نیز به آنها بلحق شده بود، در تمام دوران پس از کودتا بر ضد جنبش انقلابی ایران ادامه داشت.

در دوران اوج جنبش، بخصوص در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸، ما جای پای جاسوسان امریکایی، انگلیسی و اسرائیلی را در تمام حوادث ایران مشاهده میکنیم. امریالیستهای امریکایی و انگلیسی، کوشیدند که با استفاده از شبکه جاسوسی خود جنبش را خفه کنند و یا لائل مسیر انقلاب ایران را بنفع خود تغییر دهند. اما انقلاب ایران نیرومندتر از آن بود که جاسوسان امریالیسم بتوانند در آن تاثیر جدی بنمایند. با وجود این، آنها از تلاش نایب‌توانند و در چارچوب امکاناتی که داشتند، «آدم‌های خود» را در ارگانهای جدید تأسیس انقلابی، از شورای وزیران گرفته تا دادگاهها و کمیته‌ها جایجا کردند. برخیز از آنان به همت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام افتخار شدند، اما کشف شبکه‌های ضد انقلاب و بخصوص شبکه اصفهان نشان میدهد که، اقتشاشدگان

تنها بخش بسیار کوچکی از عوامل ضد انقلاب در ایران را تشکیل میدادند.

شبکه جاسوسی اصفهان، که بوسیله پاسداران انقلاب اسلامی کشف شده، یکی از قدیمیترین و شاید قدیمیترین شبکه جاسوسی امپراطوری بریتانیا در خاک ایران است. پای میسیونرهای انگلیسی از اواخر قرن هجدهم به ایران باز شده است. میسیونرها، چنانکه لنین مینویسد، پیشقراولان استعمار بودند و استعمارگران اروپایی بدنبال میسیونرها، که انجیل در دست، راه را برای سلطه دولتهای اروپایی زیر پرده مذهب باز میکردند، به داخل کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین نفوذ کرده، آنان را بزنجیر اسارت خود میکشیدند. بخش بزرگی از آفریقای منیاء، از همین راه به مستعمره دولتهای اروپایی تبدیل شد و خلقهای آن مسیحیت را بتنوان دین خود پذیرفتند. در برخی از کشورهای اسلامی میسیونرهای مسیحی موفق شدند که اقلیتی از مردم را بقبول دین مسیح متقاعد سازند، ولی در اکثر این کشورها سیاست تبعیض‌آمیز کردن مردم با شکست قاطع روبرو شد. در ایران تقریباً هیچکس از بین مسلمانان به مسیحیت نگروید. با وجود این، هیئتهای میسنوری در ایران فعالیت خود ادامه میدادند (بعین میسیونرهای روسی، که پس از انقلاب اکتبر، بدستور لنین به فعالیت آنها نقطه پایان گذارده شد) و سازمانهای عریض و طویل خود را حفظ کرده بودند.

برای فعالیت میسیونرهای انگلیسی و امریکایی در ایران نه تنها از نظر سیاسی، بلکه همچنین از نظر مذهبی نیز هیچ دلیل موجهی وجود نداشت، زیرا مسیحیان ایران (ارمنها، آشوریها) تابع کلیساهای انگلستان و امریکا نیستند و «اسقفی اعظم» اصفهان را نیز قبول ندارند. شاهان ایران، که طی دو قرن اخیر همه دست‌نشانده‌گان دولتهای استعماری بودند، وجود این میکروب بیگانه را در اندام ضعیف کشور تحمل میکردند و بهیچوجه مانع فعالیت آنها نمیشدند. در زمان سلطنت محمدرضا، که دوران «شکن - بشکن» امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا، در ایران بود، سازمانهای میسنوری دستگامهای خود را در طول و عرض گسترده و در همکاری با ساواک و نفوذ سازمانهای ضد رژیم، نقش بسیار شوم و موثری علیه جنبشهای انقلابی ایران ایفا کردند. میسیونرها تمام فعالیت ضد انقلابی خود را زیر پرده مذهب و مبارزه با کفر و الحاد انجام میدهند، اما روشن است که مذهب آنان نیز مانند تمام مذاهب دیگر طبقاتی است. آنها هنگامیکه شاه سابق سرکار بود، با دستگاه جنبش ساواک بر ضد مبارزان انقلابی (بخصوص پیروان مارکسیسم) مبارزه میکردند و اکنون که جمهوری اسلامی ایران بر ویرانه‌های رژیم شاهنشاهی پدید آمده است، با سرویسهای جاسوسی امریالیسم امریکا و انگلستان برای براندازی این جمهوری، که مذهب مستضعفان را پایه و اساس نظام اجتماعی خود قرار داده، همکاری میکنند. آنچه تاکنون از فعالیت این شبکه عظیم جاسوسی کشف شده، دایره گسترده فعالیت آنها بخوبی نشان میدهد. تنها کافی است به رقم پانصد میلیون دلار و ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» توجه کنیم. این آقایان خدمتگزار مسیح، برای فیکوکاری‌های خودشان ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» توزیع کرده‌اند. چقدر از این مقدار مصرف شد و چقدر هنوز بمصرف نرسیده، دقیقاً معلوم نیست. اما هر کیلوگرم از این ماده منفجره نیرومند میتواند به زندگی دهها و صد هاتنر خاتمه دهد. این بیبمبایی که هر روز در جانی منقیر میشوند، در برابر بیبمبایی نیرومندی که میتوان با این ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» ساخت، اسباب‌بازی بیش نیست.

محل خرج این ۵۰۰ میلیون دلار هم چیزی نظیر مصرف همان ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» است. «بایستی این مبلغ بین بعضی از پرسنل ارتش ایران، رهبران فرقه‌سیاسی غیرقانونی بهائی و ضد انقلابیون توزیع شونده رهبران فرقه بهائی بهیول چه احتیاجی دارند؟ سازمان بین‌المللی بهائیان، یکی از متمولترین سازمانهای سیاسی - مذهبی است. نمیتوان پذیرفت که رهبران بهائی از سازمانهای میسنوری به منظور کمک به افراد فرقه خودشان پول گرفته باشند. بنابراین رهبران فرقه بهائی، اگر پولی از «اسقفی اعظم» گرفته باشند، برای مصارف سیاسی، یعنی مبارزه بر ضد رژیم گرفته‌اند، و این برخلاف

ادعای آنهاست که مذهب بهائی مداخله در سیاست را منع میکند. معلوم میشود که مذهب آنان نیز چون مذهب کیشیان «اسقفی اعظم» کسندار و طبقاتی است، یعنی سکوت و تسلیم در برابر رژیم شاملون و مبارزه و سرکشی در مقابل انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی مسئله سیاسی است و نه مذهبی.

در گروه دیگر، که از این ۵۰۰ میلیون دلار سهم میبرند بعضی از پرسنل ارتش و ضد انقلابیون هستند. تکلیف ضد انقلابیون مشخص است، اما با بعضی از پرسنل ارتش چه باید کرد؟ آیا این نیز زنگ خطر ترمزهای نیست که درباره وضع داخلی ارتش میباید درمی‌آید؟ میزان این پول، که مبلغ عظیمی را تشکیل میدهد، نشان میدهد که طراحان انگلیسی و امریکایی برنامه‌های خود را برای مدت درازی تنظیم کرده‌اند و هنوز ارتش ایران را محیط مساعنی برای پیاده کردن طرحهای ضد انقلابی خود محسوب میدارند.

اسنادی که در «اسقفی اعظم» اصفهان کشف شده، با تمام اسناد دیگری که درباره برنامه‌های ضد انقلاب در ایران بدست آمده، هماهنگی کامل دارد. در یکی از این اسناد، از قول طراحان منیاء گفته شده است:

«ما نقشه‌های مختلفی داریم که اولین آن تشکیل گروههای مقاومت در ایران بتوان یک ضرورت است. ما می‌توانیم و مجاز نیستیم ساکت به‌تصمیم. اگر ما ساکت بتصمیم تمام دوستانمان را در ایران از دست خواهیم داد.»

آری، امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی عجله دارند. آنها میکوشند که انقلاب ایران را، تا «تمام دوستانشان را از دست نمانده‌اند»، خفه کنند. «دوستانشان» نیز یکی‌ساز دیگری «زنده» میروند. بهیمن دلیل نیز آنان شیوه ضد انقلاب خرنده را به‌شیوه اعمال‌روزختن تبدیل کرده‌اند.

ما میدانستیم و میدانیم که امپریالیستها ساکت نخواهند تست. ما بارها در این باره هشدار دادیم. کشف شبکه جاسوسی «اسقفی اعظم» در اصفهان گواه بارز دیگری بر خصومت آشوب‌ناپذیر امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا (و فرزند خلف آن صهیونیسم) با انقلاب ایران است، که برخلاف گفته و ادعای کسانی که می‌خواهند ریشه این خصومت را در «کروگانگری» دانشجویان مسلمان پیرو خط امام جستجو کنند، کوچکترین ارتباطی با آن نداشته است.

هدف امپریالیستهای انگلیسی، امریکایی و اسرائیلی، که «اسقفی اعظم» اصفهان را به مرکز جاسوسی خود تبدیل کرده بودند، براندازی جمهوری اسلامی ایران است، که رهبران آن، چنانکه در سند ذکر شده، و بیستم امپریالیستهای چنانیکار «یک‌گروه» قاتل و تروریست هستند، که باید آنها را بیدرتنگ گشت.

بی‌تردید شبکه جاسوسی «اسقفی اعظم» اصفهان تنها شبکه‌ای نیست که در ایران زیر تقاب مذهب فعالیت داشته است. چنانکه در اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان گفته میشود «اسقفی اعظم» علاوه بر اصفهان، در مراکز استان‌های تهران، شیراز، کرمان، یزد و خوزستان شعبه داشته و هر یک از این شعب خود موسسات مختلفی در اختیار و زیر نفوذ داشته‌اند. هیچ معلوم نیست که این شعب و سایر تاسیسات امریکایی و انگلیسی، که در ایران فعالیت میکنند، هر یک خود چنین شبکه عظیم جاسوسی نباشند.

تشکیل شبکه‌های عظیم جاسوسی در ایران تنها یک رشته از توطئه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، بر ضد انقلاب ماست. دنیای سرمایه‌داری تمام امکانات خود را برای رویارویی با انقلاب ایران در یک کاسه ریخته است. جبهه واحد کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی رهبری عملیات ضد انقلابی ایران را به کمیته‌ای زیر نظر پروژینسکی، مشاور کادرت در امور امنیت ملی، سپرده است تا گلوی انقلاب ایران را بفشارد.

اما انقلاب ایران، بکوری چشم دشمنان، علیرغم تمام توطئه‌ها، کارشکنی‌ها و فشارهای اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی و تهدیدات نظامی که از جانب جبهه متحد دنیای سرمایه‌داری بر آن وارد میشود، با گامهای استوار به پیش میرود و سنگری را در پی سنگر دیگر از امپریالیسم جهانخواه میکشید.

«اسقفی اعظم»، این سنگر جاسوسان انگلیسی، امریکایی و اسرائیلی فروریخت. خلق ما سنگرهای دیگر را نیز بصرف درخواست آورد. امپریالیسم، این نظام محض، هر قدر هم جان‌مختی نشان دهد، محکوم بهرگ است. و ما از صمیم قلب شادمانیم که خلق قهرمان ما در اجرای این حکم تاریخ سهم شایسته خود را ادا میکند.

مائوئیسم - همکار امپریالیسم بر ضد انقلاب ایران

تبلیغات و سیاست‌ها بی‌سبب و بی‌موردی که رنگ و بوی مائوئیستی دارد، در فضای بزرگی از جامعه ما رخنه کرده است. دیدگاه‌ها و احکامان بکن و آسمان زمین‌ها را مائوئیست‌ها با دایلی، به اشکال مختلف از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات کثیرالانتشار و برخی از سیاستمداران و مبلغان و شارحان اجتماعی در رنگ و لعاب و بسته بندیهای جورا جور به خورد توده‌ها داده می‌شود.

آیا این همه آشنایی و اشتراک عقیده و نظریه‌های از ارگان‌ها و رسانه‌ها و مسئولان جمهوری اسلامی ایران با مائوئیسم نمادنی است؟

آیا اسلام انقلابی می‌تواند با همان اسلوب و معیارهای قضاوت کند که باب طبع و حتی ساخته و پرداخته شده در کارگاه‌های تئوری بافی مائوئیست است؟ چه کسی است که نداند، مائوئیسم امروز همکار امپریالیسم جهانی است؟ آیا یک انقلاب فدا امپریالیستی و خلقی، از مفوله انقلاب ایران، می‌تواند امپریالیسم را از یک دربیرون کند و به اقتدای مودی ترین متحدان برود و از او سرمشق بگیرد؟

آیا اسلام انقلابی می‌تواند در سیمای مائوئیسم برای خود متحدی بیابد؟ و اگر چنین است، آیا متحدان فراطی امپریالیسم واقعا می‌توانند متحدان دق یک انقلاب فدا امپریالیستی هم باشد؟ و اگر چنین نیست، آیا نباید این همکار مودی امپریالیسم که نه تنها از ریزش و با روهی انقلاب هرچه بیشتر دور کرد و خطر آسوفن مهلک آنرا برای توده‌ها و سادده گیران افشا ساخت؟

اینکه ستون پنجم امپریالیست، در لابلای زها و شبه تئوریها و سیاست بافی‌های مخرب مائوئیستی توانسته و می‌تواند بی دغدغه به میدان بیاید و اینجا و آنجا مواضع سیاسی و بیایکاهای تبلیغاتی مهمی را انتقال کند و مهره‌های خود را در زیر سلیمان نامی، در دست‌های حاسی بگمارد، خود نشانه آنست که کار انقلاب در جایی سخت‌لنگ است.

مگرو ز ن مخصوص گروهک‌های مائوئیستی و تملای اعوان و انصار آنها در مجموعه جامعه ما چند است؟ یک دردمند؟ نیم‌دردمند؟ یک دردمند؟ نه، تعداد حواریان و سب‌نمای شیطان بزرگ، از اینهمه بسیار ناچیزتر است. اما آیا شماع تبلیغاتی و دامنه عمل و تاه شیرگداری آنها هم به همین اندازه ناچیز است؟ نه و سادده البته مائوئیست‌ها در بسیاری از موارد و زمینه‌ها توانسته‌اند هزاران برابری بیشتر از جمع سیاسی خود تبلیغ و تخریب کنند. نظرات خود را در سیاست رسمی، چه داخلی و چه خارجی، و در نتیجه در سیاست عمومی تبلیغاتی کشور سوخته‌اند و پیش ببرد و به نام دفاع از اسلام و انقلاب جاده را برای بازگشت شیطان بکوبند.

اغلب نفوذ و گسترش یک تئوری و سیاست، مرسوم صحت و نیروی حیاتی آنست. تئوری صحیح وقتی رواج یابد، به نیروی مادی بدل می‌شود، در نسوج و اذهان ریشه می‌دواند و جاذبه‌ای تحریک‌انگیز کسب می‌کند.

این واقعیت اما ربطی به مائوئیسم ندارد. میزان صحت و حقایقت مائوئیسم را در چهره خیانت با حاکمان بکن، که به خم خونی هم خلقها و انقلابها دل داده‌اند و دل گرفته‌اند، به وضوح می‌توان خواند.

در ایران نیز افکار و اندیشه‌های مائوئیستی - که در سطور بعدی مختصات آنرا توضیح خواهیم داد، بطور طبیعی رشد نمی‌کند، توده‌گیر نمی‌شود، در جامعه ریشه نمی‌دواند، بر عکس، بطور مکنیکی و توسط عناصر خاصی به عضلات و انگامهای جامعه ما تزریق می‌گردد.

با سوء استفاده از اشغال مواضع و پست‌های حاسی، به ویژه تربیونهای اجتماعی و وسائل ارتباط جمعی، سعی در اشاعه و تبلیغ و تحمیل آن می‌شود. و به همین دلیل، علیرغم همه این تبلیغات رندانه و دست و پای زدن‌ها، هواداران این ایدئولوژی و نگرش، به بین وجود مادی و میدان نفوذ معنوی آنها، با امکاناتی که غصب کرده‌اند، در راهی عمیق وجود دارد. و این امر بی دلیل نیست. برهان آن همان چیزی است که جرخ‌ها را در خلی از جاها لنگ کرده و خاک در چشم انقلاب ریخته است.

هیچ نظریه و سیاستی، بدون زمینه نمی‌تواند سر پا ایستد و تریختند دیده‌ها و اغراض مائوئیستی نیز از این قاعده مستثنی نیست. زمینه مساعد برای این اندیشه‌ها و اغراض، در درجه اول شناخت و ارزیابی اشتباه آمیز بخشی از مسئولان و متعبدین جمهوری اسلامی ایران از نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در مقیاس ملی و جهانی است. این اشتباه محاسبه، که در برخی اذهان به صورت نوعی پیشداوری درآمده، خود از یک سو تحت تاثیر تئوری‌های مین درآوردی مائوئیستی نظیر "سازش دوا بر قدرت" و "توز" سه جهان و

امثال آنست، و از سوی دیگر برای پناه دادن این نوع افکار و ریزش‌ها مهربان و عوامل نشودنده آن در مواضع حاسی اجتماعی و مقامهای دولتی جا باز می‌کند.

امروزه که طشت رسوائی امپریالیسم بر سر بام جهان به مدار آمده و آیدشو - لوزی بورژوازی امپریالیستی در محنه زندگی و آزمون عمل به ورشکستگی و فضاحت کشیده نظریه‌ها و شبه تئوریهای مائوئیستی برای امپریالیسم یک نیروی کمکی به موقع است. این شبه تئوریها بر آنست تا دره ژرفی را که بین سوسیالیسم انقلابی و امپریالیسم جهان خوار وجود دارد، بیوتاندو این دو نظام از ریشه متضاد را یکسان بنماید. وقتی سوسیالیسم انقلابی با امپریالیسم فدا انقلابی هسان جلوه داده شد، مسئله سازش آنها برای تقسیم غنا نام جهان و سرکوب خلق‌ها، به خودی خود حل است. مائوئیسم، در نقش اسب تروای امپریالیسم، به همین حد قانع نیست. او پس از این تا مور تیبازی به اصطلاح تئوریک، پرده دوم را یازی می‌کند و نظریه عقونت بار "سه جهان" را پیش می‌کشد.

بر اساس این نظریه، دوا بر قدرت شوروی و آمریکا جهان اول، جهان مئدور خدا انقلاب، کشتارگاه و جزاگاه خلقها هستند. اروپای غربی و ژاپن جهان دوم را تشکیل می‌دهند، که خود زیر چنگال دوا بر قدرت آنها و از اینرو دوا بر قدرت نظام‌دارند. کشورهای در حال رشد، که منطقه انقلابی جهان را به وجود آورده‌اند برای رهایی از چنگ دوا بر قدرت، با پلما اروپای غربی و ژاپن متحد شوند.

اما این شعبده هوزکا مل نیست. شما همین که پذیرفتید دوا بر قدرت، هیچ تفاوت مایه با هم ندارید و هر دو امپریالیست‌اند، بلافاصله به شما هشیار باش می‌دهند، که نکنند خطر این دوا بر قدرت را یک اندازه بدانید! زنها که ابر قدرت شرق با بنده جوانی است، در حالی که ابر قدرت آمریکا "بیرکا غدی" است، شیری پال و کویالی است، که پیرو فرسوده شده و چنگ و دندانش بکندی گراشیده است. این ابر قدرت میزبند دیگر ترس و خطری ندارد، پس همه آتشیای جهان بی سوه ابر قدرت شرق!

جل الخالق! حال مئتی همکارای مائوئیسم با امپریالیسم را بر ضد انقلاب ایران می‌فهمید؟ می‌دانید در صورت تبعیت از این سفسطها، کار ایران انقلابی به کجا می‌کشد؟ امپریالیسم انگلیس و آلمان غربی متحد و دوست می‌شوند، مصر اتوربا دات و عمان سلطان قابوس و عربستان ملک خالد و شاهزاده - فهد و پاکستان ضیاء الحق و مراکش سلطان حسن و عراق صدام حسین و شیلی پینوشه و آرژانتین ویدالا، به صورت کائوئیهای انقلاب جهان در می‌آیند، و آنوقت پرواض است که اگر جمهوری اسلامی ایران دست در دست این رسولان انقلاب جهانی نگذار و همراستگ هم رای آنها نشود، به انقلاب جهانی پشت کرده و تضا د عمده ونهائی را، که متفاده همه جهان با ابر قدرت شرق است، لوٹ کرده و آب به آسیاب ضد انقلاب ریخته است!

ساختگی بودن این شبه تئوروی و ماهیت آن برای هر عقل سلیمی از روز روشن تر است. واقعیت بهترین مسجک است و تجربه کشورهای و انقلابهای مشابه ما خودبخش مطمئنی از واقعیت جهان است. تئوریها و پیشداوریها و بافته‌ها وساخته‌های ذهنی را به پیشگاه واقعیات زنده ببریم و در معرض قضاوت آموزشها و تجربه‌های برآمده از واقعیت قرار دهیم. حقیقت و تنها حقیقت است که می‌تواند تکیه‌گاه و ملاک داوری ما باشد. حتی اگر نخواهیم از این واقعیت روشن گسراز آفتاب عبرت بگیریم و بیایم موزیم که در حال حاضر تمام دسیسه‌ها از ما نسبت امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، تدارک می‌شود و تملای و سائل ارتباط جمعی سراسر جهان امپریالیستی، علیه انقلاب ایران و لجن پاشی به آن بسج شده و تنها منابع دفاع جهان از انقلاب ایران، احزاب کارگری و کمونیستی و رسانه‌های گروهی کشورهای سوسیالیستی و ممالک مترقی فدا امپریالیستی است.

ره نمودن شخصیت‌های انقلابی و ملی خود بهترین قطب‌نماست:

جمال عبدالناصر: "مناسباتی که با روسها داریم، در نوع خود بی نظیر است. آنها نمی‌تواند قروض ما را بخشیده‌اند. آنها در پرده‌های اختیاری ما تسهیلاتی قائل شده‌اند. آنها حتی

کوشش نمی‌کنند که قضاوت ما را تحت تاثیر قرار دهند... ممکنست شما تعجب کنید، ولی روسها هرگز در آزا پستیانی چیزی از ما نخواسته‌اند.

(از معا حبه با لوموند، فوریه ۱۹۷۰)

له‌دوان، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام:

"مردم ویتنام در تمام مراحل بر از رنج و محرومیت و در عین حال همراه بسا قهرمانیهای درخشان مبارزات نیم قرن خود... پستیانی قطعی و کمکه‌های فراوان و پرا رزش مردم شوروی را احسان کرده‌اند."

یا سرعزفات، رهبر ما زمان آزادیبخش فلسطین:

"اگر ما امروز در مبارزه عادلانه خلق فلسطین به مواضع شوروی اتکا می‌کنیم، بدان جهت است که این مواضع بازتاب در ستین انقلاب اکثر است."

هواری بومدین، رئیس جمهور فقید الجزایر:

"همبستگی موثر اتحاد شوروی با مبارزه خلقهای عرب علیه امپریالیسم آمریکا، به احقاق حقوق قفقشورهای عرب... کمک فراوان می‌کند."

عبدالسلام جلود، عضو شورای انقلاب و نخست وزیر لیبی:

"من می‌خواهم بار دیگر اهمیت و ارزش فوق العاده پستیانی و کمکه‌های موثر اقتصادی و نظامی اتحاد شوروی را به نیروهای انقلابی و ترقیخواه تأیید کنم. شوروی در پستیانی از جنبشهای رهایی بخش ملی و انقلاب اول سیتا مبر (لیبی) شرکت داشته و همواره طرفدار نیروهای است که در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین مبارزه می‌کنند."

فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا:

"صرف وجود اتحاد شوروی مانعی برای ما جرابویسی نظامی نیروهای تجا و زکار امپریالیستی است. اگر چنین نبود، مدت‌ها بود که آنها برای تقسیم جهان بین خود نقشه کشیده بودند و از تجا و زب کتور - های دیگر، که دارای نفت و مواد خام مهم دیگر هستند، ایایی نداشتند."

این نمونه‌ها، فقط مشت از خروار است، و گرنه ذکر همه این مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

این اظهارات و نظا بر پر شمار آن، تعارف و نانا ن قرض دادن نیست. حقایقی است که زندگی و مبارزه طولانی آنرا متبلور و بارور کرده است. دروغ و معامله‌گری در شان انقلابها و رهبران آنها نیست و این جملات پلایم انقلاب و رهبران خلقی از آب و آتش گذشته آنهاست.

ما فعلا کاری به فروش یا عدم فروش گاز به شوروی نداریم. اما می‌پرسیم: آیا همین تصریح و تاکید، خود بهترین وجه معرفت ما هیت مناسبات کشورهای سوسیالیستی نیست؟ اگر شوروی حمله‌ها امپریالیستی داشت، روابط همچون آمریکا و اروپای غربی و ژاپن امپریالیستی با بدبرسود یکجانبه و چپاول و تحمیل استوار باشد. سلطه سیاسی خود در نهانیت ابر سلطه اقتصادی است. این چگونه امپریالیستی است که بجای غارت - با مطلاع معاندان - "اقمار" خود، کالای خود را به قیمتی ارزانتر از قیمت‌های جهانی به آنها می‌فروشد؟

این چگونه امپریالیستی است که مغبون شدن در برابر دوستان و خلقهای انقلابی را بر مغبون کردن آنها ترجیح می‌دهد؟

این چگونه امپریالیستی است که ۴۰ میلیارد دلار کمک همه جانبه خود را به ویتنام قهرمان در طی سالهای جنگ آزادیبخش، بلاعوض اعلام می‌کند؟ این چگونه امپریالیستی است که نیمی از دیون سنگین مصر جمال عبدالناصر، یعنی مصر انقلابی را بصورت هدیه‌ای به خلق مصر، که درگیر جنگ تحمیلی با اسرائیل غاصب است، می‌بخشد؟

این چگونه امپریالیستی است که با سرعزفات کمکه‌های مادی و معنوی بی‌شمه‌اش آنرا در مبارزه عادلانه خلق فلسطین بزرگترین کمک به انقلاب فلسطین می‌شمارد؟

این چگونه امپریالیستی است که از جنبش سیاهان سواپو و رزم‌وران رودیا تا انقلابیون طفار، از کمکه‌های بلاعوض آن برخوردارند؟

این چگونه امپریالیستی است که کمک به نهضت‌های آزادیبخش و ضمه امپریالیستی جهان رقم سنگینی از بودجه آنرا تشکیل می‌دهد و میلیونها جوان آن برای کمک بیشتر به انقلابها، روزهای کار رایگان دارند؟

این چگونه امپریالیستی است که بقول رهبران انقلاب فلسطین، هر جا خلقی برای آزادی بیخاسته، اسلحه شوروی را در دست خود یافته است، و بقول رهبران ویتنام، سیاست همواره پستیانی مپا رزان اصیل چهار گوشه دنیا بوده است؟

با همه رهبران برجسته با شکوه‌ترین انقلابها و نهضت‌های رها بی‌بخش عمر ما تزویر می‌کنند؟ آیا همه آنها، با لجن مال کردن حمله و چهره انقلاب و خلق خود، به جهان دروغ می‌گویند؟

امپریالیسم یک لفظ خشک و خالی نیست، معنی و محتوی دارد و معنی و محتوی آن، در سرشت و غایت، تجا و زکار، جبار و ضد پیشرفت و ضد بشر است. انعکاس است. نیرویی که در کنار خلقها و انقلابهاست دیگر نمی‌تواند امپریالیست باشد و اگر

امپریالیست باشد، دیگر با خلقها و انقلابها آتش به یک جوی نمی‌رود. درک یا عدم درک این نکته برای انقلاب ایران و رهبران و مسئولان و مجریان دولتی آن، اهمیت تعیین کننده دارد. زیرا تنها بر شا لوده این درک است که میتوان مرز مشخصی بین دوستان و دشمنان کشید و دروای الفاظ بزرگ کرده و تئوریهای بظا هر انقلابی، از

بپرا ه رفتن، از در غلتیدن به دام مهسا و افسونهای بفرخ خم تاریخی، از هدر دادن بیبوده نیروها و امکانات و طولانی کردن روند در دو دشواری انقلاب اجتناب کرد، و در عین حال جلوی رخنه عوامل رنگارنگ دشمن را به درون انقلاب گرفت.

انقلاب ما با همه انقلابهای خلقی و رها بی‌بخش و جوه مشترک بسا دارد و به همین دلیل در این سیرورتاقص و آمیخته به سختی و ایهام، به تجربه‌ها و سرمشق‌های آنها نیازمند است. غفلت از این تجربه‌ها و کنا ر کشیدن از دیگر خلقهای انقلابی، ما را به انزوا میکشد و انزوائ ایران انقلابی، رویای شیرین امپریالیسم است.

تجربه امپریالیسم به او می‌مورد که برای درهم شکستن یک انقلاب، نخست باید آنرا منفر د کرد. مگر این تجربه به عیان در نامه محرمانه برزینسکی، مشاور امنیتی کاتر، به وزیر خارجه سابق آمریکا منعکس نیست؟

مگر این دستور العمل بطور مشخصی نمی‌گوید:

"رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خود مسا توسط اتحاد شوروی، حتما به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد."

وقتی امپریالیسم مکارا زهمه مکانات و تجربیات فدا انقلابی جهان در حد اکثر آن بهره میگیرد، چرا انقلاب ما نباید از تجربه‌های تلخ و شیرین دیگر خلقها و انقلابها خود را روئین سازد و رخنه‌ها و ضعفهایش را ترمیم کند؟

یکی از مسا ب بر طرف کردن این رخنه‌ها و ضعفها، اقامه و طرده همه آن شبه تئوریها و شکردهایی است که با انواع دوز و کلک و چشم بندی، انقلاب را از حمله و محتوایش غافل میکند و به سوی ناکجا آبادی تخیلی و با تلاقهای سیاسی ناک می‌دهد. برای اینکه از شر این تخیلات و تئوری با فی‌های ظا هر - فریب معون بمانیم، به واقعیت چشم می‌اندازیم. به واقعیت چشم می‌اندازیم. به واقعیت چشم می‌اندازیم.

هشدار وزارت کار و امور اجتماعی به مالکین واحدهای تولیدی را کد مانده را چگونه تلقی کنیم؟

معاون اشتغال و بهر موری وزارت کار و امور اجتماعی، در مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری پارس، مسائل مهمی را پیرامون تعداد واحدهای تولیدی را کد مانده، اهمیت آنها و علل رکود این موسسات تا بحال عنوان کرده است. بیان این اطلاعات، که ما در پایین به قسمتی از آن اشاره می‌کنیم، واقعا واجد اهمیت است و نشان میدهد که یکی از چینه‌های خرابکاری ضدانقلاب علیه انقلاب سندس امیر یالیستی و خلقی ما در کیست.

اما جالب اینست که معاون وزارت کار و امور اجتماعی، ضمن بیان اطلاعاتی کاملا افشاکننده در مورد واحدهای تولیدی را کد مانده، اتخاذ تصمیماتی را اعلام می‌دارد که، نه فقط کمکی به رامنندختن نوری این واحدها نمی‌کند، بلکه بقول معروف، آب به آسیاب همان‌کسانی میریزد که، بخاطر مقاصد سودجویانه و ضدانقلابی خود، یکجبهه‌ای خرابکاری ضدانقلاب علیه انقلاب سندس امیر یالیستی و خلقی ما در کیست.

قبل از همه، معاون اشتغال و بهر موری وزارت کار و امور اجتماعی اعلام میدارد که، طبق برآورد آن وزارت-خانه، مقدار واحدهای تولیدی را کد مانده، یا دقیقتر گفته شود، را کد نگه‌داشته شده، به ۱۰۰۰ واحد میرسد که بیشتر آنها متعلق به بخش خصوصی است. در مورد اینکه این هزار واحد چگونه واحدهای تولیدی است، معاون وزارت کار و امور اجتماعی وضع یکی از آنها را مثال می‌آورد.

چنانکه معاون وزیر کار و امور اجتماعی می‌گوید کارخانه خزرخیز در شهر تکاب، یکی از واحدهای تولیدی را کد مانده است. در این کارخانه، که آماده بهره‌برداری است بگفته معاون وزیر کار و امور اجتماعی، بیش از ۱۰۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری شده و با برآوردی آن بیش از ۱۰۰۰ کارگر می‌توانند مشغول بکار شوند. معاون وزیر کار و امور اجتماعی رسماً اعلام می‌دارد که، نظیر کارخانه فوق به تعداد زیاد وجود دارد، کسه مالکان آنها علاقه‌ای به رامنندختن واحدهای خود ندارند. معاون وزیر کار و امور اجتماعی بهر دستی خطر نشان می‌سازد که، علت را کد ماندن کار این واحدهای تولیدی، اختلال عدسی سرمایه‌داران و ضدانقلاب در کار احیاء چرخ تولیدی کشور است. معاون وزیر کار و امور اجتماعی می‌گوید:

«نظر اینکه بعد از انقلاب اسلامی ایران، نظام اقتصادی کشور دگرگون شده، بسیاری از سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع از ادامه کار صنایع خود و یا تکمیل واحدهای تولیدی در دست ساخت متصرف شدند، چون دیگر سود و منافع سرشاری که در گذشته انتظار داشتند، نمی‌توانستند در جمهوری اسلامی ایران بگشایند. همین دلیل اکثر صاحبان صنایع یا کشور را ترک نمودند و یا در داخل کشور ماندند، ولی واحدهای صنعتی را بحال خود رها نمودند.»

به اظهارات فوق نمی‌توان چیزی اضافه کرد، جز آنکه خاطرنشان سازیم، کارشکنی ضدانقلاب در احیاء صنایع تولیدی در ایران پس از پیروزی انقلاب، به این نرسیده که آقای معاون وزیر کار و امور اجتماعی از آن نام می‌برند، نیست.

واقفیت اینست که، نه تنها مجروحیت از سود و منافع سرشار، بلکه مخالفت علنی با انقلاب، قرار گرفتن در صف ضدانقلاب و پیروی از سیاستهای مشخص امیر یالیستی در ضربه‌زدن به اقتصاد جمهوری اسلامی است که اکثر سرمایه‌داران را به خودداری از رامنندختن چرخ صنایع و را کد نگه‌داشتن بیش از هزار واحد تولیدی، آتمه در سطح کارخانه‌های نظیر خزرخیز، تشویق و ترغیب می‌کند.

اما بهر حال، تا اینجا می‌توان با معاون وزیر کار و امور اجتماعی موافق نبود که، پرداختن به حل یک مسئله بسیار مهم نظیر رامنندختن هزار واحد تولیدی، که در اغلب آنها می‌تواند بیش از هزار کارگر بکار گرفته شود، حتی پس از آنکه یکسال و نیم از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران می‌گذرد، همچنان در بوته تمویق و اجمال باقی مانده است.

ضرورت رامنندختن نوری این واحدها امریست که تاخیر برادر نیست، و در این مورد هم باید با اظهارات معاون وزیر کار و امور اجتماعی هم‌آهنگی کامل داشت.

اما از همین جا بیدار است که دیده میشود، تصمیماتی که وزارت کار و امور اجتماعی تحت عنوان طرح رامنندختن واحدهای نیمه‌تمام و متوقف تهیه کرده و به تصویب شورای انقلاب رسانیده است، نه تنها کمکی به رامنندختن سریع این واحدها نمی‌کند، بلکه عملاً زمینه را برای ادامه کارشکنی کارفرمایان و سرمایه‌داران بزرگ در جلوگیری از بکار افتادن چرخهای صنایع تولیدی فراهم می‌آورد.

خولندگانی که از طرح تنظیمی وزارت کار و امور اجتماعی اطلاع ندارند و با آنچه درباره واحدهای کد مانده، بنا به اعترافات مقامات رسمی، تا بحال را کد نگه‌داشته‌اند، آشنائی حاصل کرده‌اند، قطعاً قبل از هر چیز تصور می‌کنند که، وزارت کار و امور اجتماعی طرح ملی کردن نوری این واحدها را به اجرا گذاشته است. زیرا فی‌الواقع هم چگونه می‌توان کارخانه‌های نظیر کارخانه خزرخیز را با یک میلیارد ریال سرمایه و ظرفیت بیش از هزار نفر کارگر جزو صنایع کوچک بشمار آورد، که بتوان مسئله اداره آنها بصورت تعاونی پیش کشید؟

همچنین چگونه می‌توان انتظار داشت کارخانه‌های که روشن است بملت کارشکنی سرمایه‌داران و اختلال در امر صنایع تولیدی کشور از جانب صاحبان آنها، مدت یکسال و نیم پس از انقلاب را کد نگه داشته شده‌اند، بدست همان سرمایه‌داران بکار انداخته شوند و به بهره‌برداری درآیند، بخصوص آنکه معاون وزیر کار هم اذعان دارد که، اکثر صاحبان این صنایع یا کشور را ترک کرده و یا در داخل مانده‌اند و همچنان از بکار انداختن کارخانه‌ها خودداری کرده‌اند؟

در چنین شرایطی، وزارت کار و امور اجتماعی بدون تردید می‌بایست لایحه سلب مالکیت از سرمایه‌دارانی را

که بعد در کار صنایع تولیدی کشور، آتمه در شرایط محاسره اقتصادی و تحریکات نظامی امیر یالیسم، بسر-کردگی امیر یالیسم آمریکا، اختلال می‌کنند، تهیه میکرد و هنگامیکه که خود مسئولین آن وزارتخانه اعتراض دارند، ۶۰۰ واحدی را که مشخصات کامل آن را شناسائی کرده‌اند، بکار می‌انداخت.

اما وزارت کار نه بدینال این تصمیم، بلکه بدینال تهیه و تصویب طرحی رفته است که، اطمینان خاطر بیشتری نسبت به ادامه کارشکنی در رامنندختن واحدهای صنعتی تولیدی، در سرمایه‌داران آزمندی که بزین انقلاب عمل می‌کنند، ایجاد می‌نماید.

طبق طرح تصویبی وزارت کار و امور اجتماعی، به صاحبان هزار واحد تولیدی را کد نگه‌داشته شده، اولاً دو ماه دیگر وقت داده می‌شود، تا سر لطف بیایند و کارخانه‌ها را برای رامنندختن، و اگر لازم باشد، وزارت کار حاضر است «ملت فوق‌العاده را افزایش دهد» ثانیاً وزارت کار به مالکینی که بعد تا به امروز از احیاء فعالیت واحدهای مهم صنعتی خوداری کرده‌اند، پیشنهاد می‌کند که در اداره این واحدها بصورت تعاونی شرکت کنند و از «اولویت خاصی» که وزارت کار برای آنها قائل شده، استفاده نمایند. ثالثاً وزارت کار صاحبان سرمایه‌ها را مطمئن می‌سازد که، آنها پس از بهره‌برداری، بسایر واحدهای خود را با تمام دریافت خواهند کرد.

تازه مزایایی که برشمرده‌ایم، مهم‌ترین مزایایی نیست که وزارت کار و امور اجتماعی برای سرمایه‌دارانی قائل شده، که بگفته معاون وزیر، یا کشور را ترک کرده‌اند و در خارج علیه انقلاب فعالیت می‌کنند و یا در داخل کشور باقی مانده‌اند و با را کد نگه‌داشتن واحدهای مهم صنعتی، ضریبات جدی به اقتصاد جمهوری اسلامی وارد می‌سازند. مزیت عمده و اساسی که وزارت کار و امور اجتماعی به این نوع سرمایه‌داران داده، اینست که، در پناه طرح تعاونی کردن، کارخانه‌های با هزار میلیون ریال سرمایه و بیش از یک هزار نفر کارگر را در ردیف صنایع کوچکی قلمداد کرده که می‌توانند در مالکیت صاحبان آنها باقی بمانند و احیاء به شیوه تعاونی و طبق مقررات شرکتهای تعاونی مصوبه شورای انقلاب اداره شوند. ولی مقررات شرکتهای تعاونی مصوبه شورای انقلاب، مورخه ۱۱/۱۱/۵۸، به هیچوجه شامل حال واحدهای یا میلیاردها ریال سرمایه و هزاران کارگر نمی‌شود بدینسان طرح رامنندختن واحدهای نیمه‌تمام و متوقف وزارت کار و بیمه-های اجتماعی عملاً پوششی است برای فرار مالکیت‌های عمده سرمایه‌داری از ملی شدن، آتمه سرمایه‌هایی که صاحبان آنها، بنا بگفته خود مقامات وزارت کار «تعمالی به تکمیل و رامنندختن این واحدها را ندارند.»

تکیه بر این اصل که، اقدامات وزارت کار و امور اجتماعی باید با ضابطه و رعایت کلیه اصول شرعی و قانونی مالکیت این واحدها صورت گیرد، نمیتواند این واقعیت را، که وزارت کار و امور اجتماعی مالکیت‌های بزرگ سرمایه‌داری وابسته را عملاً زیر چتر حمایت خود

تازه مزایایی که برشمرده‌ایم، مهم‌ترین مزایایی نیست که وزارت کار و امور اجتماعی برای سرمایه‌دارانی قائل شده، که بگفته معاون وزیر، یا کشور را ترک کرده‌اند و در خارج علیه انقلاب فعالیت می‌کنند و یا در داخل کشور باقی مانده‌اند و با را کد نگه‌داشتن واحدهای مهم صنعتی، ضریبات جدی به اقتصاد جمهوری اسلامی وارد می‌سازند. مزیت عمده و اساسی که وزارت کار و امور اجتماعی به این نوع سرمایه‌داران داده، اینست که، در پناه طرح تعاونی کردن، کارخانه‌های با هزار میلیون ریال سرمایه و بیش از یک هزار نفر کارگر را در ردیف صنایع کوچکی قلمداد کرده که می‌توانند در مالکیت صاحبان آنها باقی بمانند و احیاء به شیوه تعاونی و طبق مقررات شرکتهای تعاونی مصوبه شورای انقلاب اداره شوند. ولی مقررات شرکتهای تعاونی مصوبه شورای انقلاب، مورخه ۱۱/۱۱/۵۸، به هیچوجه شامل حال واحدهای یا میلیاردها ریال سرمایه و هزاران کارگر نمی‌شود بدینسان طرح رامنندختن واحدهای نیمه‌تمام و متوقف وزارت کار و بیمه-های اجتماعی عملاً پوششی است برای فرار مالکیت‌های عمده سرمایه‌داری از ملی شدن، آتمه سرمایه‌هایی که صاحبان آنها، بنا بگفته خود مقامات وزارت کار «تعمالی به تکمیل و رامنندختن این واحدها را ندارند.»

گرفته، پوشیده دارد. وزارت کار و امور اجتماعی همچنین با طرح تصویبی خود واحدهای صنعتی عظیمی را که در سطح کشور دارای اهمیت است و رامنندختن نوری آنها از نظر تقویت مبانی اقتصادی جمهوری اسلامی فوق‌العاده ضرورت است، به سطح واحدهای صنایع کوچکی که با تشکیل شرکتهای تعاونی در این اواخر احیاء ایجاد شده و میشوند، یائین آورده، کار رامنندختن آنها را به مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی وابسته به استانداریها واگذار کرده است. این شیوه برخورد نه تنها با امر مهم رامنندختن موسسات عظیم صنعتی تولیدی، که باید بطور متحرک و زیر نظر مستقیم وزارت صنایع و معادن، از حالت رکود درآید، مخایر است، بلکه راه و شیوه دیگری برای مصون داشتن آنها از ملی شدن و بی‌ماندن در اختیار سرمایه‌داران وابسته، تحت عنوان صنایع کوچک و بی‌اهمیت است.

از این مسائل عمده و اساسی که بگذرد، طرح وزارت کار بجای آنکه مبتنی بر رامنندختن صنایع متوقف شده باشد، متضمن تأمین سود هنگفت بسایر صاحبان سرمایه این صنایع است. طرح وزارت کار واحدهای تولیدی را کد را بکار نخواهد انداخت، اما این طرح صاحبان سرمایه این واحدها امکان می‌دهد که با هم به میلیاردها تومان سرمایه دولت، تحت عنوان دریافت کسکه چنگ بیاندازند و این سرمایه‌های نقدی را مانند اصل سرمایه کارخانجات بخارج انتقال دهند.

هاتطور که پروژنامه جمهوری اسلامی بدرستی متذکر میشود، طرح وزارت کار در مورد رامنندختن صنایع متوقف شده «بیش از آنکه انگیزه‌ای باشد جهت... رامنندختن این واحدها، صاحبان آنها را بیشتر در جهت تکمیل واحدهای خود ترغیب می‌کند.»

بهمین جهت پروژنامه جمهوری اسلامی بدرستی پیشنهاد می‌کند که سرمایه مربوطه «این نوع کارخانه‌ها به دست دولت ضبط شود.»

را کد نگه‌داشتن کار بیشتر از هزار واحد صنعتی تولیدی با مشخصاتی نظیر کارخانه خزرخیز امری نیست که بتوان همچنان نسبت به حل سریع آن لایق باقی ماند و یا کار را به دادن سهل و تشویق سرمایه‌داران وابسته به رامنندختن این واحدها واگذار کرد. این کار بسیار مهم مملکتی است که از نظر بکار افتادن چرخ صنایع مملکت و تولید کار، حد متوسط برای نیم ملیون کارگر، از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است.

بکار انداختن سریع واحدهای تولیدی که سرمایه‌داران اختلال گر و وابسته به امیر یالیسم و ضدانقلاب پمد آنها را متوقف نگاه داشته‌اند، از مسائل عمده تثبیت پیروزی انقلاب و غنیمت گذشتن توسط امیر یالیسم چنانستکار و سرسپردگان ابراسی آن در داخل کشور است. به امور مهم مربوط به سرنویشت انقلاب نمی‌توان لایق و بی‌انتا نگاه کرد. این امور باید با قاطعیت انقلابی و بر پایه تأمین منافع عموم خلق سرعت و یا فوریت حل و فصل گردد.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در اتریش: از هم‌میهنان دعوت می‌کنیم که بدفاع از دانشجویان مبارزه ایرانی مقیم امریکا برخیزند

هم‌میهنان و دانشجویان مبارزان در هر کجا که هستید و یا هر وسیله که در اختیار دارید، ندای اعتراض خود را علیه افعال دست‌نشانده امیر یالیسم آمریکا و پلیس فاشیست آن در مورد دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا بلند کنید. هم‌میهنان عزیز! در هر کجا که هستید، در محیط کار و زندگی و تحصیل، تمام کوشش خود را در راه شناساندن انقلاب ضد امیر یالیستی و خلقی مردم ایران (به گفته امام خمینی انقلاب مستمندان) به‌جهانیان بکار برید.

چرند ایران پس از سرنگونی رژیم خونخوار و سفاک پهلوی به مبارزه خود علیه امیر یالیسم جهانی، یسه سرکردگی امیر یالیسم آمریکا و عمل آن در ایران ادامه می‌دهند در این دوران صفتبندی نیروها هر روز مشخص‌تر میشود و وظیفه هر ایرانی وطن‌دوست آن است که امروز هر چه بیشتر در راه معرفی افعال وحشیانه امیر یالیسم آمریکا علیه مردم ما کوشا باشد.

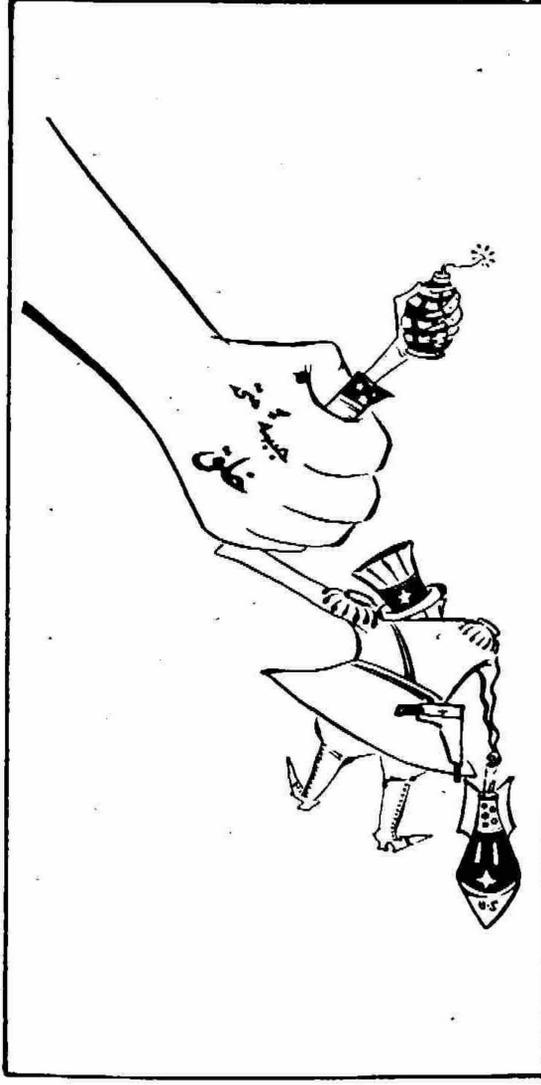
از یکسو نیروهای خلقی بهربری امام خمینی، از انقلاب سرسختانه دفاع می‌کنند و ازسوی دیگر عناصر و مهربانان ارتجاع از بزرگ-سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکین گرفته تا ساواک‌های سابق و گروهک‌های

حزب توده ایران - سازمان شهرستان اسلام‌آباد غرب: در مقابل تهدیدات امیر یالیسم آمریکا، انقلاب به همدلی و همکاری نیروهای انقلابی نیاز دارد

حزب توده ایران - سازمان شهرستان اسلام‌آباد غرب، درارتباط با تصفیه‌ها و پاکسازیهای که در آموزش و پرورش این شهرستان انجام گرفته و می‌گیرد، اعلامیه‌ای انتشار داد. در این اعلامیه، ضمن اشاره به عملکرد غیرانقلابی و سازشکارانه دولت موقت در زمینه اخفاء و دستگیری مزدوران ساواک و عوامل ضدانقلاب، آمده است:

«... خوشبختانه رهبری قطع امام خمینی و توان و شور انقلابی توده‌های مستضعف و وجود عناصر صدیق و انقلابی از روحانیت مبارز و سایر اقلات و گروهها و احزاب وفادار به انقلاب، مانع از آن شد که انقلاب در سرانجام سقوط افتد. اکنون، که اینجا و آنجا فرست اساسی ساواکیه افشاء می‌گردد، حق این است که مسئولین در اسرع وقت در راه انتشار لیست ساواکیه‌های شهرستان و استان بکوشند و با شناسائی و تعقیب ساواکیه‌ها و چاق-داران آریامهری و بختیاری، امکان هر گونه فرست‌طلبی و تغییر رنگ را از آنان سلب کنند...»

آنطور که دیده می‌شود، اداره آموزش و پرورش اسلام‌آباد غرب نمدای از عناصر و صحنه‌گردانان رژیم گذشته را مسئول پاکسازی قرار داده است و این جای خوشوقتی است. اما آنچه نگران برمی‌انگیزد، وجود برخی افراد صدیق و مومن به



اتحادیه دهقانان چیست

و چرا باید آن را تشکیل دهیم؟

با نهادهای انقلابی و دولتی این خواست‌ها را عملی سازند

در اتحادیه دهقانان همه اعضای اتحادیه باید با هیئت مدیره اتحادیه، که خودشان انتخاب می‌کنند، همکاری کنند تا کار از پیش برود.

برای تشکیل اتحادیه دهقانان چه باید کرد؟

هرکدام از ما باید با اعضای خانواده و آشنایان و دوستان خودمان درباره اتحادیه صحبت کنیم. بعد، روزی یا شبی قرار بگذاریم و در محل مناسبی - مثلا در مسجد ده، یا مدرسه یا هر جای دیگر - دور هم جمع شویم و منظور از تشکیل اتحادیه را کاملا روشن کنیم. هر قدر بیشتر افراد فعال، که به تشکیل اتحادیه دهقانان علاقمندند، در این جلسه شرکت کنند، بهتر خواهد بود. براساس خواست‌هایی که دهقانان مطرح می‌کنند، اساسنامه اتحادیه را می‌نویسیم و بعدا در اولین فرصت کلیه دهقانانی را که علاقمند و داوطلب باشند، دعوت می‌کنیم، تا در جلسه "جمع عمومی اتحادیه دهقانان" حاضر شوند و اساسنامه را تصویب کنند.

در این جلسه هیئت مدیره اتحادیه و رئیس اتحادیه را انتخاب می‌کنیم و قول می‌دهیم که در پیشرفت کار اتحادیه به آنها، تا آنجا که می‌توانیم، کمک کنیم و اتحاد خودمان را حفظ کنیم.

شورای ده، که دارای مقدرات اجرایی و امکانات و اختیارات است، باید از منافع مشروع اتحادیه دفاع کند و برای تامین خواستههای اتحادیه از هیچ کوششی مضایقه نکند. اتحادیه دهقانان هم وظیفه دارد که از شورای مردمی ده حمایت و پشتیبانی کند و پیشنهادها و خواستههای دهقانان را به شورا بدهد و با آن همکاری صمیمانه کند و در بسیج نیروی دهقانی برای خودیاری و اجرای تصمیمات شورای ده بکوشد.

* اگر متحد باشیم موفق خواهیم شد.

* اتحادیه دهقانی خود را تشکیل دهیم.

به تشکیل تعاونی‌های خود برای تولید و مصرف و فروش کمک کنیم.

- برای بدست آوردن محصول بیشتر و مرغوبتر، از راه گرفتن وسائل کشاورزی، مانند تراکتور و کمباین و نیز بذر مرغوب و کود و اعتبارات مالی و وام تولیدی با شرایط مساعد.

- برای کوشش یکدل و یک جهت، نامقدمات مسئول آب زراعی را تامین کنند و به تعمیر لوله‌های قنات‌ها و حفرچاه‌های عمیق و نیمه عمیق توجه نمایند.

- برای نوسازی و عمران روستایی و برای داشتن امکانات رفاهی مانند مدرسه و درمانگاه و مسجد و کتابخانه و آب آشامیدنی و برق، و در یک کلمه، برای داشتن زندگی بهتر.

چرا باید اتحادیه‌های دهقانی خود را تشکیل دهیم؟

هیچکدام از ما به تنهایی نمی‌توانیم به این خواسته‌های مشروع و به حق خود برسیم. ولی هرگاه متحد باشیم، حرف ما در رو خواهد داشت و ما به همه خواسته‌های خود، به همه حقوق حقه خود خواهیم رسید. پس بیایید در هر جا که هستیم اتحادیه دهقانان ده خود را تشکیل دهیم. با نیروی اتحادیه‌های دهقانی می‌توانیم با شورای ده، که خیلی مهم است و دارای اختیارات و امکانات اجرایی است، با ادارات دولتی و با نهادهای انقلابی، بخصوص جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، تماس بگیریم، حق خود را بخواهیم و خواسته‌های خود را مطرح کنیم. یکدست صدا نداریم. اما اتحادیه، صدای متحدان است، که در جامعه انقلابی ما شنیده خواهد شد.

اتحادیه دهقانی چیست؟

اتحادیه دهقانان، یعنی این که دهقانان زحمتکش بکروستا، یا چند روستای نزدیک بهم، که بخواهند به هدف‌هایی که گفتیم برسند و میل داشته باشند که برای رسیدن به خواسته‌های مشروع و برحق خود همکاری کنند، با هم متحد شوند و براساس خواسته‌های مشروع و مبارزه قانونی و طرح و تنظیم خواسته‌ها و اشتراک مساعی

دهقانان عزیز!

انقلاب پرشکوه ما به رهبری امام خمینی هر روز بیشتر گسترش می‌یابد و بر بیکر پلید شیطان بزرگ - امریکای جنایتکار - زخم‌های کاری تر و آرمیکند ولی شیطان بزرگ و نوکران و همدستان داخلی او، یعنی ضدانقلاب، بیکار نیستند و هر روز و هر ساعت به توطئه‌ها و نقشه‌های جنایتکارانه جدیدی دست می‌زنند.

- مالکان و سرمایه‌داران بزرگ ارضی و همدستان آنها، از روزی که فهمیدند طبق قانون باید زمین‌های غصبی آنها مصادره شود و به دهقانان تهی‌دست، که آباد کننده زمین هستند، واگذار گردد، در روستاها بر دامنه شیطنت‌ها و دسیسه‌ها و نقشه‌های جنایتکارانه خود افزودند و سعی می‌کنند از اجرای قانون اصلاحات ارضی جلوگیری کنند. آنها موتورهای چاه‌های آب، تراکتورها و ماشین‌های کشاورزی را خراب می‌کنند، مزارع را ویران می‌سازند، کود و بذر را می‌برند و غارت می‌کنند، حتی خرمن‌ها را آتش می‌زنند، بین دهقانان دودستگی و دعوا راه می‌اندازند و عمال خود را، اعم از چاق‌دار یا روحانی‌ها، به میدان می‌فرستند.

دهقانان عزیز! ما در این شرایط وظیفه داریم که از انقلاب بزرگان و از زندگی خودمان دفاع کنیم و نقشه‌های ضدانقلاب را نقش بر آب سازیم و بهانه‌های آن را بگیریم. کشاورزی را شکوفان کنیم و بوضع ده و زندگی خودمان سرور صوری بدهیم. ما زمانی موفق خواهیم شد که متحد شویم، و برای این کار، اتحادیه‌های خود را تشکیل دهیم.

چرا ما دهقانان زحمتکش باید متحد و یکپارچه باشیم؟

- برای پیروزی در مبارزه بر ضد شیطان بزرگ امریکا و شیطانکهای دست‌نشانده آن، برای رهایی از ظلم و ستم بزرگ مالکی، برای مبارزه با سلف‌خوان و دلالان و واسطه‌های سودجو و راجواریان، برای آنکه بتوانیم برادروار کار و زندگی کنیم،



تمام ثروت این بیروزن روستائی همان بقیه‌ایست که بر روی سرش، هنگام برگشت از یکشنبه‌بازار، حمل می‌کند. محتوی این بقیه مقداری کار دستی و کالاهای ارزان‌قیمتی است که در یکشنبه‌بازار کیاکلا (قائم‌شهر) عرضه شده‌است. سالخوردگان کشور، بعد از سالها تلاش و کار، باید از بیمه و زندگی راحت برخوردار باشند.

زمینه فعالیت ضدانقلاب را با هویشاری و قاطعیت باید از بین برد به خواسته‌های بحق مردم بندر دیلم رسیدگی کنید

بندر دیلم یکی از بخش‌های استان بوشهر است، که تمام و کمال مهر عقب ماندگی میراث رژیم شاه سابق بر سر خود دارد.

در میان تمام عقب ماندگی‌های این شهر، باید از جمله از خرابی عظیم وضع آب و برق نام برد.

از اول تابستان، مردم دیلم در هر ۲۴ ساعت، سه ساعت برق داشتند، که اخیراً "برای خراب شدن آخرین ژنراتور مولد برق، شهر در بی برق کامل بسر می‌برد. نبودن برق باعث شد، که بیخ‌نیز در شهرتایا بگردود در این تابستان داغ جنوب زندگی مردم شهر به کلی فلج شود. اخیراً از طرف بخشدار و جهاد سازندگی بندر دیلم تصمیم گرفته شد که از برق سرتاسری سدهز برای بندر دیلم استفاده کنند. اولین منظور در مصادرات تیرهای برق برآمدند. متعاقب آن زمینداران کلان و بازرگانان بزرگ، که هیچ نظر خوشی به انقلاب ندارند، در مصادرات استفاده از این وضع برآمدند و با توجه به خواست روستائیان مبنی بر داشتن برق، آنها را تحریک کردند که جلوی احداث تیرهای برق را بگیرند. ضدانقلاب کوشید که به دهقانان اینطور وانمود سازد، که دولت به هیچ وجه در فکر آنها نیست و برق را فقط برای شهر می‌خواهند.

از طرف دیگر تعدادی از نیروهای ضد انقلابی در بندر دیلم در صدد تحریک بیشتر مردم برآمده‌اند و می‌کوشند مردم شهر و روستا را به جان یکدیگر بیندازند. ماضن محکوم کردن این توطئه‌های ضدانقلاب، از مقامات مسئول مملکتی می‌طلبیم که به خواست به حق مردم دیلم و روستاهای اطراف رسیدگی کنند و نگذارند که در این گرمای طاقت‌فرسای تابستان جنوب، بیش از این به مردم رنجیده دیلم فشار وارد آید.

نباید گذشت که عوامل امپریالیسم امریکا، زمینداران بزرگ و گروهکهای ضدانقلابی از این وضع مردم دیلم - استفاده کنند. باید با بر آوردن خواست‌های به حق مردم دیلم و روستاهای اطراف، زیر پای ضدانقلاب را خالی کرد و زمینه هرگونه فعالیت در جهت تضعیف انقلاب را از بین برد.

به خواسته‌های آلونک‌نشین‌های خیابان زنگان جنوبی رسیدگی کنید

اخیراً عده‌ای از عناصر سود جو و فرصت طلب، با سوء استفاده از خواست آلونک‌نشین‌های خیابان زنگان جنوبی برای مسکن، گروهی از آنها را به نام "کمیته" محل نزد کمیته‌ها مام برده‌اند ولی در آنجا نام خوبشان را نشان دادند و خود را به بنیاد مسکن داده‌اند. آن‌ها زمینهای با بر مقابل آلونکها را، که در واقع باید به آلونک‌نشین‌های خیابان زنگان جنوبی داده شود، بین خود تقسیم کرده‌اند.

این عمل باعث ناراحتی و خشم شدید آلونک‌نشین‌های خیابان زنگان جنوبی شده است، بطوریکه با ارسال نامه‌ای به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، خواستار رسیدگی به وضع خود شده‌اند. در قسمتی از این نامه آمده است: "ما از نمایندگان مجلس خواهانیم که هر چه زودترین مسئله را در مجلس مطرح نمایند، تا به این کار رسیدگی شود. ما به شمارای دادیم و از شما توقع داریم. نمایندگان ما باید به دردمان برسند و مشکلات ما را حل کنند. چرا با دیدیدالتی به این حد رسید که عده‌ای دغل باز از ما استفاده کنند و برای خود مسکن تهیه نمایند."

عدالت را اجرا کنند، آنرا به حساب اسلام، نگذارند. انشاء الله در آینده نزدیک با همکاری مردم و مجلس شورای اسلامی بر مشکلات قاتق خواهیم آمد.

دهقانان ستمدیده کشورمان به حق از نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتظار دارند که از تریبون مجلس ندای حق - طلبانه آنان علیه سیستم خانه‌برانداز بزرگ مالکی و بقایای فئودالیسم انعکاس یابد. مجلس شورای اسلامی میتواند و باید بحال مشکلات دهقانان زحمتکش را

منطقه را در اس اقدامات عمرانی آینده خود قرار دهد.

آقای رهائی در ضمن تشریح مشکلات دیگر دهقانان، از جمله نقایص موجود در بهداشت، آموزش، راه‌های ارتباطی، کمبود آب آشامیدنی و کمبود بودجه جهاد سازندگی برای فعالیت‌های عمرانی گفت:

چون اعتباری که برای منطقه خدایند و حومه در نظر گرفته شده است، در مقابل نیازها و خواسته‌های اهالی بسیار ناچیز است، چنانچه اعتبار کافی برای منطقه خدایند در نظر گرفته شود، شرایط اینجا در مجتمع‌های کشاورزی و دامی زیاد و نیروی انسانی نیز به اندازه کافی وجود دارد و من فکر می‌کنم که این بهترین راه برای جلوگیری از خروج روستائیان به شهر باشد. بنابراین امیدواریم که در آینده نزدیک به این موضوع نیز رسیدگی شود.

مسئله دیگری که آقای رهائی بعنوان یک مشکل اساسی مطرح ساخت، کمبود نیروهای انتظامی برای تأمین امنیت منطقه است. وی خاطر نشان کرد که:

"این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است، چون خدایند به سبب موقعیت خاص خود هر آن در معرض خطرات احتمالی ناشی از تجاوز و توطئه ضدانقلاب قرار دارد، که البته این موضوع را بنده به وزیر محترم کشور، دادستان انقلاب و سایر مقامات مربوط یادآوری کرده‌ام."

آقای رهائی در پایان محبت‌های خود با تکیه به ضرورت حل مسائل دهقانان، گفت:

"یقیناً" تا به بین زندگی مردم و به خصوص روستائیان در کناره‌های عدالت اسلامی است و این دو مکمل هم هستند. ومن عقیده دارم که بدون تأمین زندگی روستائیان امکان برقراری عدالت اسلامی محال است و در چنین صورتی این عدالت نیست و من حکومت اسلامی را با این وضع لفظی بیش نمی‌دانم. ما همه جا به مردم این وعده را داده‌ایم که آنچه تا به حال شده و نتوانسته

مسائل دهقانان از زبان وکلای مجلس حجت الاسلام محسن رهامی نماینده خدایند

آقای حجت الاسلام محسن رهامی، نماینده خدایند در مجلس شورای اسلامی ایران، ضمن گفتگویی با خبرنگار کیهان ضمن تشریح موقعیت جغرافیایی خدایند، پاره‌ای از مشکلات دهقانان حوزه انتخابیه خود را مطرح و گفت: "منطقه مایگی از مناطق فراموش شده مملکت است، بطوریکه وقتی مژدر مجلس اظهار داشتیم نماینده خدایند هستیم، عده‌ای حتی نمی‌دانستند که خدایند کجاست. منطقه ما - منطقه محرومی است بین ابهر - زنگان - بیجار - قزوین و همدان با بیش از ۹ هزار کیلومتر مربع وسعت و چهارصد روستا و یک شهر و نزدیک به دویست هزار نفر جمعیت.

مردم خدایند و روستاهای اطراف آن از طریق کشاورزی رزاق می‌کنند و این در حالیست که زمینها در دست فئودال‌ها و به اصطلاح کردن کلفت‌های منطقه است و چون اصولاً استان زنگان منطقه خدایند و فئودالیزاده است، شما روستایی را نمی‌توانید پیدا کنید که در آنجا خان یا فئودالی غالب زمین‌های حاصلخیز را در اختیار نداشته باشد. از طرفی چون مردم نمی‌توانند از راههای دیگر زندگی کنند و زمین و آب هم به اندازه کافی ندارند، این است که مجبور می‌شوند برای کار در کارگاهها و مراکز کارخانه‌های شهرها و مراکز سراسری شوند، که این مهاجرت‌ها در غالب اوقات نه تنها وسیله آرامش و آسایش آنها را در شهرها فراهم نمی‌آورد، بلکه به عکس علاوه بر ایجاد مشکلات اجتماعی، موجب می‌شود که از سطح تولیدات کشاورزی و دامی به مقدار قابل توجهی کاسته شود، و من پیشنهاد می‌کنم که دولت ایجاد مراکز صنعتی در این

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

مائوئیسم...

بدون سیم، سرت انقلابمان را عمیقاً درک کنیم و شعارهای میان تپی و سراب آفرین را، که ما را بدنبال خودسپاه مفرستد و حقیقت زنده را فدای رویاهای بی سرنوشته می‌کند، به زباله‌دان سیندازیم.

وقتی میکوشیم خلعت عینی انقلاب ما، مثل همه انقلابهای پیروز و منتهی مشا به ضد امپریالیستی است، معنای علمی و امولی این سخن را دریانت کنیم، خلعت عینی ضد امپریالیستی انقلاب ایران یعنی چه؟ یعنی اینکه انقلاب به غارت افسارگسیخته مالی و اقتصادی و سیادت ارباب منشا نه سیاسی و نظامی امپریالیسم جهانی و بویژه سرکرده آنها آمریکا در ایران و منافع استراتژیک آنها در منطقه، مریدهای چنانچه و مرگباری زده است. آسرایدوسی انقلاب ایران با امپریالیسم، جوهر تاریخ معا مر ایران است.

کودتای خانمان برانداز اسفند ۱۳۴۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به ابتکار روبا نخلزارت مستقیم امپریالیسم انگلیسی و آمریکا انجام گرفت. بیش از ۴۰ هزار مستشار نظامی آمریکا و شبکه جاسوسی ساواک زیر کنترل دقیق سیا و انتلیجنت سرویس ایران را بصورت مستعمره تمام عیار و غیر رسمی آمریکا در آورد. ده میلیون دلار هزینه نظامی و جاسوسی و تسلیحاتی توسط امپریالیسم اروپای غربی و آمریکا برای سر زبردن دلارهای نفتی به جیب گشاد کمپانیهای امپریالیستی بهما تحمیل شد. با زارتولید طبیعی اقتصاد کشاورزی ما با طرحهای مشخص کارشناسان غربی به زوال سوق دادند. مابیح و مهره رنگ زدهای از ماشین عظیم نظامی وزاننده گنبدیدهای از با زار جهانی سرمایه امپریالیستی بودیم. و برای اینکه به این فلاکت پایان دهیم، با بداندن ساختار و سرنوشته را از بیخ و بن سرکنیم، یعنی ریشههای مسموم امپریالیسم را در اس خاک بخشکانیم. واقعیت عینی یعنی این. مبارزه واقعی و بی انحراف یعنی این. همه آن برنامه‌ها و سیاست‌ها و نئوریهای که از "چپ" و راست میخواهد این بدیهی‌ترین وجه و وظیفه انقلاب ما را با متعالی کند. جای دشمن اصلی و حاضر را با دشمن فرضی و موهوم عوض کند و انقلاب نوزاد ایران را از همزادش، جبهه انقلاب جهانی، منزوی سازد، با هر شکل و شمایل که وارد شود، تنها در خدمت یک نیسروست: امپریالیسم!

مائوئیسم این نیروست. این گرگ خیزده در پوست میش است. اگر این گرگ در جایی از دنیا، به یک انقلاب ضد امپریالیستی کمترین مددی رسانده، به انقلاب ما هم میتواند برساند. اما آنکه در میانه‌های جهانی دستش در دست آمریکا و نوچه‌های قدوس عقداست، چگونه میتواند علیه آمریکا و متحدانش باشد؟

چه نکالی در کار انقلاب ما وجود دارد که، اینجا و آنجا، مائوئیست‌ها اندیشه‌های عربان و فعالان را میتوانند با پوشی از ریش و نمایی از تسبیح و آداب نمازی بی‌بوشا بند و برایش مشتری دست و پا کنند؟ کجای کار ایراد دارد که بدین انقلاب این تخریفات سیاسی را قاطعانه دفع نمی‌کنند و منابع میکرب زای آن را درهم نمی‌کوبند؟ انقلاب شکوهمند ایران چه وجه مشترک و تفاهم آرمانی میتواند با همدستان و پاندازان ارتجاع ضد خلقی جهانی داشته باشد؟

تا مل روی این سوال هیچ کمتر از یک وظیفه انقلابی نیست.

هندا رما بیشتر از همه به عناصر صادق ضد امپریالیست مذهبی است که خطر مائوئیسم را دست کم نمی‌گیرند. مماشات و حتی بی تفاوتی در برابر ترفندهایی که تبلیغات دوا بر قدرت و تخریب "سه جهان" و تخطئه دیگر انقلابها مظاهر شناخته شده و بارز آنست، مماشات با امپریالیسم. مجال دادن به ضد انقلاب نقابداران، مبارزه شربخش با مائوئیست‌ها، دهر لاسی که هستند، طرد آنها از دستکای دولتی، جلوگیری از اخلال آنها در خارج از دستکاه حکومتی، فقط با مبارزه با نظرات آنها و افشای کنه این نظرات میسر است. چنین مبارزه‌ای جا معه را در برابر یکی از مودنی‌ترین میکروبی‌های ضد انقلابی و اکسینه می‌کند. آخر، متحدان شیطان بزرگ هم مثل خود او شیدانی فکر میکنند. و شیطان، علی‌رغم زبان چوب و زرمش، افسون شدگان را تنها به یک جا هدایت میکند: جهنم...!

حمله نظامی دولت صهیونیستی اسرائیل به جنوب لبنان و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه

نیروهای اسرائیل سه شنبه شب (۲۹ مرداد) در جنوب لبنان به مواضع فلسطینیها حمله کردند. طبق اظهارات سخنگوی ارتش اسرائیل، این حمله در منطقه "ارنون ریج" در امتداد رودخانه لیتان صورت گرفت. در نتیجه این حمله چند نفر فلسطینی و چند نفر لبنانی کشته شدند. در این حمله مواضع تویخانه، خیاره‌اندازها و سلاحهای ضد هوایی فلسطینیها در این منطقه نابود شده است. سخنگوی ارتش اسرائیل افزود که این حمله بخشی از عملیات تفرسی است که منظور ختنی کردن حملات فلسطینیها علیه اراضی اشغال شده از جانب اسرائیل صورت می‌گیرد. بدنبال این حملات، برابری اخبار و گزارشهای منتشره در مطبوعات، نیروهای اسرائیلی در ساعت ۳ بامداد چهارشنبه ۳۰ مرداد، با استفاده از هلیکوپترهای نظامی در چهار نقطه در جنوب لبنان پیاده شدند. چریکهای فلسطینی در این چهار نقطه در برابر واحدهای متجاوز اسرائیلی مقاومت کردند و در نتیجه واحدهای اسرائیلی پس از چند ساعت مجبور به عقب‌نشینی و از این نقاط در جنوب لبنان خارج شدند. بامداد روز سه شنبه (۲۹ مرداد) هواپیماهای جنگی اسرائیلی پایگاههای چریکهای فلسطینی در اطراف شهر "بقره" را بمباران کردند.

عنان توتی، نماینده لبنان در سازمان ملل متحد، علیه تجاوزات جدید اسرائیل، از جمله حمله هوایی اخیر و پیاده کردن کمانده‌های اشغالگر در شمال شهر صیدون، در روزهای ۲۳ و ۲۴ مرداد، به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد اعتراض کرد.

عملیات تجاوزی نیروهای مسلح اسرائیلی در جنوب لبنان علیه رزمندگان فلسطینی، که بدنبال اقدام سیاسی ماجراجویانه دولت صهیونیستی اسرائیل انجام می‌گیرد، بار دیگر موبد این واقعیت است که رژیم صهیونیستی اسرائیل به تفتنه‌های تجاوزکارانه و ترس‌مللانه خود علیه کشورهای عربی مورد تجاوز و بویژه خلق عرب فلسطین همچنان ادامه میدهد و تلاش دارد خلق عرب فلسطین را از داشتن سرزمین و دولت مستقل ملی محروم کند.

تفتنه‌های تجاوزکارانه و ترس‌مللانه اسرائیل را نباید جدا از سیاست کلی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در این منطقه و استراتژی نظامی جهانی آن بررسی کرد.

اسرائیل در جنگهای تجاوزکارانه خود علیه مصر و سوریه و لبنان و اشغال سرزمینهای این کشورها و خلق عرب فلسطین، همواره مورد پشتیبانی کامل آمریکا بوده و این جنگها با کمک نظامی و حمایت سیاسی آمریکا انجام گرفته است. مراقتنامه‌های کم‌دیوید میان اسرائیل و رژیم خائن پتیه سادات، که موجب تثبیت نتایج تجاوزکاری اسرائیل و باجماع کردن حق تعیین سرنوشته خلق عرب فلسطین و محروم کردن آن از داشتن سرزمین و دولت مستقل ملی گردیده، بخشی از طرحهای متجاوزانه امپریالیسم آمریکا علیه کلیه رژیمهای مستقل ملی و جنبشهای رهایی بخش خلقهای این منطقه است.

پس از تحولات انقلابی، که در این منطقه روی داد و بویژه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، انقلاب دموکراتیک در افغانستان و تشکیل جبهه پایداری از کشورهای مستقل ملی عربی و سازمان آزادیبخش فلسطین در برابر تجاوز اسرائیل، اسرائیل بیش از پیش به سر زبردن تجاوز و کانون توطئه علیه کشورهای مستقل ملی در این منطقه تبدیل شد. برابر اسناد و مدارکی که در مطبوعات کشورهای مختلف جهان بازتاب یافته، دولت اسرائیل، پس از سرنگون رژیم دیکتاتوری بوجایتکار شاه سابق در ایران، در تمام توطئه‌های سیاسی و تفتنه‌های مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مستقیماً شرکت داشته است. بسیاری از ساواک‌های فراری و دیگر عناصر ضد انقلابی در اسرائیل متمرکز شده‌اند و از جانب موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) سازمان و تعلیم داده میشوند و برای شرکت در توطئه‌های نظامی و خرابکاری علیه جمهوری اسلامی ایران، به ایران اعزام می‌گردند. ساویدان عالی رتبه سازمان جاسوسی اسرائیل و ژنرالهای ارتش اسرائیل با اختیار، اویسی، پالیزیان و انرف، خواهی معلوم الحال شاه سابق، در تماس دائمی هستند و طرحهای توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بررسی میکنند. دولت اسرائیل و کارشناسان نظامی آن در تدارک برای اجرای این طرحها شرکت فعال دارند.

حملات نظامی چندروز اخیر نیروهای مسلح اسرائیل به جنوب لبنان و بمباران مواضع فلسطینیها، ضمن اینکه هدف تضعیف و درهم شکستن مقاومت سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای عربی جبهه پایداری را دنبال میکند، بخشی از توطئه کلی امپریالیسم آمریکا علیه رژیمهای مستقل ملی در منطقه و علیه انقلاب و جمهوری اسلامی است. امپریالیسم آمریکا، با پشتیبانی از عملیات تجاوزی اسرائیل در جنوب لبنان، تلاش دارد که اوضاع منطقه را هر چه بیشتر متشنج سازد و بوسیله اسرائیل یک دگرگونی مسلحانه به مقیاس منطقه ایجاد کند، تا با استفاده از چنین وضعی، بتواند نیروهای مسلح خود را که در تمام پایگاههای دریایی و زمینی در این منطقه حضور دارند، وارد عمل سازد و احتمالاً طرحهای مداخله مسلحانه علیه ایران را منظور براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران از این طریق پیاده کند.

در برابر این توطئه‌های تحریک‌آمیز و تفتنه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و دیگر رژیمهای دست‌نشانده آمریکا، که علیه جمهوری اسلامی ایران، سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری است، اتحاد و همستگی همه کشورها و نیروهای ضد امپریالیستی در برابر تجاوز اسرائیل و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا از عواملی است که میتواند به استحکام مواضع انقلابی و ضد امپریالیستی این کشورها و همچنین مواضع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مساعدت کند و تفتنه‌های تجاوزی و طرحهای توطئه امپریالیسم آمریکا و دستیاران آنرا در منطقه به شکست و ناکامی محکوم سازد.

رویدادهای جهان

شورای جهانی صلح مردم جهان را به گسترش مبارزه علیه سیاست تحریک‌آمیز آمریکا دعوت کرد

شورای جهانی صلح با استفاده از استراتژی جدید هتلهای آمریکا را دعوت و تحریکی بسوی جنگ خوانده و اعلام کرد که مفهوم امکان استفاده محدود از سلاحهای هسته‌ای از نظر نظامی بی‌وج و خطرناک است. شورای جهانی صلح صلح تاکید کرد که دکترین جدید کاتس سفیدستی از سیاست خارجی آمریکا است، که از جمله استقرار موشکهای جدید هسته‌ای در اروپا، تقویت نظامی در اقیانوس هند و خلیج فارس و حفظ صدها پایگاه در کشورهای دیگر از اجزاء آن است.

شورای جهانی صلح از همه مردم با حسن نیت جهان خواست که مبارزه را علیه این سیاست تحریک‌آمیز گسترش دهند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، پاتنه ویب قطعنامه‌ای، تصمیم صهیونیست‌های تل‌آویو را در مورد تبدیل بیت‌المقدس به پایتخت اسرائیل معکوم کرد

آمریکا به این قطعنامه رای «متنع» داد. رای متنع نماینده آمریکا بار دیگر نشان میدهد که صهیونیست‌های تل‌آویو در تجاوز علیه خلقهای عرب تاجمحد از حمایت اربابان آمریکائی خود برخوردارند. ادویند ماسکی وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده است که چون قطعنامه «متعاد» نوده آمریکا به آن رای متنع میدهد!

از نظر امپریالیسم آمریکا «متعاد» بدان معنی است که فلسطینی‌ها و اعراب، که قربانیان تجاوزات بربر-متنان صهیونیستی و امپریالیستی هستند، نیز محکوم شوند!

از سوی دیگر ناظران سیاسی در سازمان ملل اعتقاد دارند که آمریکا در واقع مایل بوده است که قطعنامه مصوبه شورای امنیت را وتو کند، اما بخاطر اینکه مزدوران سرسپرده خود مانند ملک‌خالد، سادات، ملک حسن و شیوخ مرتجع خلیج فارس را، که از ترس ملت‌های خود در تفتنه‌های اخیر، در حرف با تبدیل بیت‌المقدس به پایتخت اسرائیل مخالفت کرده‌اند، بیش از پیش متشنج نکند، رای متنع داده است.

خلق ستم‌دیده شیلی مبارزه علیه دیکتاتوری خون‌آشام پینوشه را گسترش میدهد

خبرگزاری اسپانیا در گزارشی اعلام کرد که تظاهرات بزرگی در سانتیاگو پایتخت شیلی علیه داور دسته فاشیستی پینوشه برپا شد و تظاهرکنندگان در خیابانهای اصلی شهر رامپانته کردند و علیه به اصطلاح فرمانروایان یازدهم سیتامبر، سالگرد کودتای خونین، شعار دادند. تظاهرکنندگان فریاد می‌زدند که این «فراندمور» حمله‌ای از سوی رژیم برای قانونی کردن نظام دیکتاتوری سرسپرده است. پلیس مزدور شیلی به تظاهرکنندگان حمله کرد و دهها تن بازداشت شدند. از سوی دیگر، بنابه گزارش همین خبرگزاری، در حومه‌های سانتیاگو شب‌نامه‌هایی علیه رژیم دست‌نشانده شیلی و اربابان آمریکائی آن بخش شده است.

در جهان سوسیالیسم

افزایش درآمد ملی در کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی

آخرین آمارهای، که چندی پیش از سوی دبیرخانه شورای همکاری اقتصادی منتشر شد، بار دیگر رشد بویا، کارآیی و ز-افزون و بهر ورزی هر چه بیشتر کشورهای عضو را به ثبوت می‌رساند. در دهه هفتم سده ما، درآمد ملی کشورهای عضو "شورا" ۶۲ درصد افزایش یافت. بدین سان، میانگین رشد سالانه درآمد ملی در این کشورها ۵/۵ درصد بود. در این سالها سهم صنعت، ساختمان، ترابری و ارتباطات در تولید درآمد ملی بیشتر شد.

سرما به‌گذاری در اقتصاد ملی ۷۱ درصد افزایش یافت و میانگین رشد سالانه به ۶/۱ درصد رسید.

در سالهای نامبرده، کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی به ویژه به گسترش پایه مادی - تکنولوژیکی - اقتصاد خود پرداختند و در حدود سه چهارم وسایل موجود را صرف گسترش نوسازی بخش‌های تولیدی می‌کردند. سی تا ۵۰ درصد این مقدار مصرف صنعت شد. تقریباً همه کشورهای عضو "شورا"، سرمایه‌گذاری خود را در بخش‌های غیرمولد مانند برنا مهای توسعه اجتماعی، اقتصادی، به ویژه خانه سازی، افزایش بخشیدند. در سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۲، بیش از ۲۷ میلیون خانه در این کشورها ساخته شد. سخن دیگر، سالانه ۸/۱ خانه، برای هر هزار شهروند احداث گردید.

افزایش تولید صنعتی در کشورهای عضو "شورا" همکاری اقتصادی، در سالهای نامبرده ۷۸ درصد، یعنی میانگین آهنگ رشد سالانه آنها، ۶/۶ درصد بود. در ضمن، به بخش‌هایی که پیشرفت علمی-فنی از همه بیشتر آنها وابسته است، اولویت بیشتر داده شد. برای نمونه، تولید مهندسی مکانیک ۲/۴ برابر، تولید برق ۱/۷ برابر و تولید شیمیائی ۲/۱ برابر گردید.

گسترش سریع بخش‌های ساختار سازی افزایش سهم نسبی آنها در تولید نا ویزه صنعتی انجام مید. عالیترین آهنگ‌های رشد، در بخش‌های تولید ابزار ماشین، اتومبیل، تراکتور و ماشین‌های کشاورزی و ساختاری حاصل شد.

در جهان سرمایه‌داری

وضع کنونی صنعت فولاد آمریکا دورا ژرکود بزرگ راه با دمی آورد

روزنامه‌های آمریکا وضع صنعت فولاد سازی آن کشور را "فاجعه آمیز" ارزیابی کرده‌اند. در حدود نیمی از ظرفیت تولید این صنعت عاطل است.

از ۴۵۰ هزار فولادکار، که زمانی به تولید مشغول بودند، اینک فقط ۲۶۹ هزار نفر باقی مانده‌اند و هنوز هم سرنوشته بی کاری در انتظار برخی از آنهاست. همین چندی پیش، شرکت "پتلهم استیل کارپوریشن" دریا لتیمور (ایالت مریلند) اعلام کرد که، تولید خود را تنزل داده است. "ری پابلیک استیل کارپوریشن" نیز در شعب خود در آلاباما و آریزونا، خارج از کرانه دست زد. چنانکه روزنامه "کریشن سانیس مانیتور" نوشت، وضع کنونی صنعت فولاد در آمریکا تنها با دوران "رکود بزرگ" سالهای ۳۰ قابل مقایسه است.

یکی از علل عمده کاهش تولید فولاد را در ایالات متحده آمریکا، بحران صنعت اتومبیل سازی باید دید، که یکی از مهمترین مشتریهای آنست. برای نمونه، در نیمسال اول ۱۹۸۰، تولید اتومبیل در مقایسه با دوران مشابه در سال پیش، ۲۹ درصد کاهش یافت. فروش اتومبیل در دهه سوم ژوئن به سطحی تنزل پیدا کرد که در ۲۲ سال گذشته سابقه بوده است. همچنین کاهش تولید صنعت کشتی سازی نیز در بحران شاخه فولاد سازی بی تا شیر نموده است.

یکی دیگر از دلایل کاهش تولید فولاد، آنست که، برخی از کارفرمایان، به علت عدم توجه کافی به آخرین دستاوردهای علم و فن، از عهد رقابت با زار برنمی‌آیند.

به نوشته "بیزنس ویک"، "یو-اس-استیل" در ۵ سال اخیر ۷۲ درصد سود خود را به عنوان سود سهام توزیع کرد. این رقم در "پتلهم استیل" حتی ۸۳ درصد بوده است. بدین ترتیب، پول کافی باقی‌نمی‌ماند که صرف نوسازی و مایسل تولید شود و یا در نوآوریهای علمی - سرمایه‌گذاری گردد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

طرح سند «سه جزیره» در شرایط کنونی، توطئه جدید امریکا علیه انقلاب و جمهوری ایران

نفوذ خود در این منطقه را برای اجرای طرح‌های گوناگون توطئه و تجاوز و مداخله نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در اختیار گرفته و در اجرای این طرح‌ها به هر یک از رژیم‌های ضد خلقی و وابسته به خود تکیه و اتکا کرده است.

رژیم‌های ضد خلقی و وابسته به امریالیسم آمریکا در منطقه در تمام توطئه‌ها و عملیات تجارزی نافرمانی که تاکنون از جانب امریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، مستقیماً شرکت داشته‌اند و اکنون نیز در اجرای طرح توطئه جدید، که علیه جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده می‌شود سهم خود را ایفا می‌کنند.

بدین ترتیب طرح مسئله استرداد سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و بزرگ و ابوموسی از جانب رژیم امریکا در خارج امارات متحد عربی در چنین شرایطی، از برنامه کلی توطئه‌های امریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جدا نیست.

رژیم‌های ضد خلقی منطقه به حکم وابستگی‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی عمیق خود به امریالیسم، بویژه امریالیسم آمریکا، ناگزیر به اجرای رهنمودهای ارباب خود هستند. گذشته از این، آنها به اقتضای سرشت ضد خلقی و وابسته خود طبیعتاً با انقلاب‌های ضد امریالیستی و رژیم‌های خلقی و مستقل ملی مخالفند و دوام و بقای این انقلاب‌های ضد امریالیستی و خلقی و تأثیر آنها را که این انقلاب‌ها در میان خلق‌ها و کشورهای دیگر منطقه دارند، برای موجودیت و سرخوش رژیم خود خطری جدی و بزرگ تلقی می‌کنند. به همین علت است که تمام رژیم‌های دست‌نشانده و وابسته و ضد خلقی در این منطقه، از نخستین روز پیروزی انقلاب ایران در مواضع خصومت و مخالفت با این انقلاب قرار گرفته‌اند و از سیاست تجاوز و مداخله نظامی امریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تمیصت می‌کنند و در تلاش تضعیف و شکست این نظام انقلابی نوپا هستند.

طرح مسئله سه جزیره از جانب دولت امارات متحد عربی علیه جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی، توطئه جدیدی است که طرح آن در محافل امریالیستی تهیه گردیده است. هدف این توطئه ایجاد درگیری غیرلایم در شرایط کنونی برای جمهوری اسلامی ایران و انصراف توجه آن از خطر بزرگ واقعی موجود، یعنی توطئه بزرگ امریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و تضعیف مواضع آن در برابر چنین خطری است.

ما این خواست ناموجه و تحریک آمیز دولت امارات متحد عربی را در شرایط کنونی، به مثابه توطئه جدید آمریکا و نیروهای ارتجاعی و رژیم‌های دست‌نشانده امریالیسم آمریکا در منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران، با قاطعیت محکوم می‌کنیم.

خبرگزاری پارس، به نقل از خبرگزاری فرانسه، گزارش داد که، رشید عبدالله، وزیر امور خارجه امارات متحد عربی، در مورد مسئله سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، واقع در خلیج فارس، به دبیرکل سازمان ملل متحد اعتراض کرده است.

این سه جزیره در سال ۱۳۵۰، پس از خروج نیروهای نظامی انگلیس از منطقه خلیج فارس، بوسیله نیروهای ایرانی تصرف شدند. رشید عبدالله، در پاسخ به نامه‌ای که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در خردادماه سال جاری، درباره این مسئله به دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته است، اظهار داشت که امارات متحد عربی اینطور است که مسئله این سه جزیره از راه‌های معمولی حل و فصل شود و از اعمال تحریک آمیز اجتناب شود.

قبل از امارات متحد عربی، مسئله سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، از جانب دولت بعثی عراق مطرح گردید و دولت بعثی عراق خواستار شد که جمهوری اسلامی ایران این سه جزیره را بازگرداند. در آنتونق از جانب وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پاسخ لازم به این خواست نابجا و غیرمنطقی دولت عراق داده شد. و اینکه بار دیگر مسئله بازگرداندن این جزایر از جانب امارات متحد عربی مطرح می‌شود.

صرف نظر از اینکه خواست بازگرداندن این جزایر، چه از جانب دولت بعثی عراق و چه از طرف امارات متحد عربی، خواستی استغریب منطقی و بی اساس، طرح این مسئله در اوضاع و احوال کنونی در منطقه و موقعیت جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند تصادفی باشد.

آنگون قریب به ۹ سال است که از جریان تصرف این جزایر بوسیله نیروهای ایران می‌گذرد. در دوران رژیم سابق، که این جزایر تصرف شدند، و پس از آن، از جانب امارات متحد عربی و دولت بعثی عراق مسئله استرداد این جزایر بطور جدی مطرح نگردید و علاوه بر این، در دوران اشغال این جزایر بوسیله نیروهای نظامی انگلستان، که به پایگاه نظامی امریالیسم انگلیس علیه خلق‌های این منطقه تبدیل شده بودند، از ناحیه هیچ دولت و کشوری در منطقه به این وضع اعتراض نشد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، امریالیسم آمریکا، علاوه بر تقویت پایگاه‌های نظامی و گسترش بی سابقه حضور نظامی خود در این منطقه، که مستقیماً علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، سعی کرده است که بوسیله رژیم‌های دست‌نشانده خود در منطقه، مواضع جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کند و در روابط آن با کشورهای همجوار در منطقه تیرگی و تشنج پدید آورد. امریالیسم آمریکا تمام تاسیسات و امکانات نظامی رژیم‌های دست‌نشانده و تحت

ضد انقلاب کتابفروشی حزب توده ایران در بهشهر را ویران کرد

صبح روز بیست و یکم مردادماه گروهی شناخته شده، با آرم پیشمرگان حزب الله، به کتابفروشی حزب توده ایران در بهشهر حمله کردند. حزب توده ایران - سازمان شهرستان بهشهر بدین مناسبت اطلاعیه‌ای صادر و در سطح شهر پخش کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«هشتریان عزیز! روز شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۵۹ ساعت ده صبح، گروهی قلیلی که شناسایی شده‌اند، با آرم پیشمرگان حزب الله، به محل کتابفروشی نشریات حزب توده ایران، که بسته بود، حمله کردند و پس از کندن درب کرکری و شکستن شیشه‌ها و قفسه‌ها و مین و صندوق و فیوز و کنتور برق، کلیه کتابها و نشریات را از بین بردند.

این اعمال در شرایط انجام می‌گیرد که ضدانقلاب به دستور امریالیسم قصد نابودی جمهوری اسلامی را دارد.

ما توجه مسئولین و نهادهای انقلابی را به اطلاعیه دادستان کل کشور و سخنرانی ایشان در خوزه علمیه قائم در چیدر و مصاحبه با صدا و سیما جمهوری اسلامی جلب می‌کنیم، که گفته است:

«با توجه به اینکه در نظام اسلامی و حکومت قانون هر عملی که انجام می‌شود باید از طریق مقامات مسئول و طبق قوانین حاکم بر اجتماع صورت گیرد، اقدام به این قبیل اعمال، علاوه بر اینکه خلاف مقررات جاری و منحل

توضیح فرمانداری قائمشهر

به دنبال چاپ مطلبی تحت عنوان «لارسانی در امر توزیع سیما» در قائمشهر، در شماره ۲۳۳ نامه مردم، فرمانداری قائمشهر نامه‌ای به مدیریت کل ازشاد ملی استان مازندران ارسال داشته، که در نوشت این نامه برای نامه مردم فرستاده شده است. در این نامه آمده است:

۱- همانطوریکه اعلام داشته‌اند مسئولیت توزیع سیما و گنج قائم شهر به شرکتی که به همین نام گسیس گردیده، محول شده است و فرمانداری هم با تعیین نماینده در نحوه توزیع آن نظارت دارد و بر ترتیبی که اخیراً مشاهده شده، لارسانی که در سطح شهرستان و کثرت متقاضیان بوده است، نه فقدان ضابطه.

۲- فرمانداری طی اطلاعیه از کلیه متقاضیان از طریق رادیو و تلویزیون مازندران خواسته است در مواردی که با احتکار و گرافروشی یا هر نوع تقلب دیگر برخورد نمودند، مراتب را کتباً اعلام دارند، تا با افراد متخلف برابر مقررات رفتار شود.

۳- نظر این فرمانداری بر آنست که در باب سیما و کالاهایی نظیر آن، از ضروریات بوده و به حفظ اضتیاط عمومی کمک می‌نماید و اگر چنانچه گاهی اوقات اشخاص در کسوت متقاضیان سیما بصورت دستجمعی بفرمانداری یا شهرداری مراجعه و موجبات درگیری با برخی از مأموران را فراهم می‌نمایند، تا آنجا که تعقیب شده مستحق و نیازمند واقعی سیما نبوده و عمل این قبیل افراد کلاش مذبوطانه‌ای برای ایجاد هرج و مرج در محیط اداره و یا وقت کثرت مسئولان و بزرگ جلوه دادن مسئله کمیروسیما می‌باشد.

برخورد مسئولان مقامات فرمانداری قائمشهر در ارتباط با مسئله لارسانی در امر توزیع سیما در قائمشهر، مایه خوشوقتی است. ما از آن مقامات انتظار داریم که همچنان در این امر مهم، کمال دقت و هوشیاری را بکار ببندند.

ضمناً ذکر یک نکته را نیز ضروری دانیم، و آن این است که بهجاست مسئولان فرمانداری قائمشهر ضوابط مشخصی را در امر توزیع سیما تعیین کنند، تا از این طریق اولیایان بدست متقاضیان به سهولت برسد، و لذا دست واسطه‌ها و محقران کوتاه شود.

کارتی و در حقیقت «کارل» ها و طبقه حاکم آمریکا و دیگر امریالیستهای جهان همین کلاک را سوار کرده‌اند و تبلیغ می‌کنند که گویا جهان اسلام با جهان مسیحیت و مذهب اسلام و مذهب مسیح کلاسیک شده‌اند.

آنها گاه طرح‌های دیگر هم می‌ریزند چنانکه مرحوم کشف‌الظنای بزرگ و بزرگوار را به «انجمن مسیحیان آمریکایی طرفدار صلح در خاورمیانه» دعوت کردند تا با توجه به دستورات اسلام و مسیحیت در زمینه «استقرار عدالت و صلح و ایمان» جلسه و کنفرانس تشکیل دهند و علیه کمونیسم ملحد ضد دین که دشمن مشترک اسلام و آمریکایی مسیحی!! است جبهه زانندی تهیه فرمایند! کشف‌الظنای که نقشه آنها را دریافت همان ابتدا با نوشتن نامه‌ای شدیداللمن و افشاگرانه به آنها قهانه که خر کیست!

به آنها گفت که چگونه در ریتم و الجزایر و لبنان و فلسطین و عراق، صلح و عدالت و ایمان را مستقر کرده‌اند! الجزایری‌ها، آفریقایی‌ها و هر کشور استعمارزده بیاد دارند که چگونه قبل از ورود قسواستعماری همواره دسته‌ای از باسلاح میسوزهای مسیحی و بشترین روحانی و کشیشان کلاسیک، پیشتر اول و طلایه‌دار سپاه استعمار بوده‌اند اول به پنهان هدایت و ارشاد و بعد

ارشاد به آمریکا و هدایت به دنیای غارت و چنگ و استعمار... (اطلاعات، دوشنبه سوم شهریور ۵۹)

تبع آرد این وزیر ورشکسته به تقصیر نمی‌باشد؛ مطابق چگونگی احساس مسئولیتی است که مسئول سیاست خارجی ایران، علنا اعلام می‌دارد، کشورهای جهان فرستل سفارتخانه‌هایشان در تهران را بعد اقل تقلیل داده‌اند، برای اینکه امنیت نندارنده این «دیپلماسی» بسود کیست؟ اینقدر مسلم است که بسود جمهوری اسلامی ایران نیست - و این آقای وزیر جلال‌مطلب، حتی از امکان سقوط جمهوری اسلامی نیز سخن گفت و ناخودآگاه، ولی با اطمینان از آینده‌های دیگر، غیر از آینده‌ای که

مردم مستضعف ایران آرزوی آنرا دارند، یعنی آینده‌ای، بیشتر مطابق با خواسته‌هایی که امریالیست‌ها، دشمنان خوشبختی مردم مستضعف ما دیده‌اند، سخن‌ببین آورد. اما مستضعفین ایران هنوز فائقند، و اجازه‌ی تغییر چنین خواب‌هایی را نخواهند داد. توده‌های مستضعف ما، که با آن فداکاری‌های بی‌همتای آن انقلاب پرشکوه را بوجود آوردند، و خود را از شر ظلمت و سیاست‌های داخلی و خارجی وی رها ساختند، خراب عوام‌فریب‌های عوامانه امثال صادق قلیزاده را نیز نخواهند خورد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، آن سیاست خارجی که ما را یار دیگر اسیر روابط با پاکستان و ترکیه و اربابان امریالیست-آنها سازده نباید باشد و نخواهد بود. قلیزاده بی‌پوده تلاش میکند و اگر هم خواهد در این جهت یعنی در جهت اتخاذ چنین سیاستی به دولت آینده کمک کند، مستضعفین ایران چنین کمک را نمی‌خواهند. (صبح آزادگان، ۴ شهریور ۵۹)

کشف مرکز جاسوسی سیا در دایره استققی هشدار برای هموطنان مسیحی

روزنامه اطلاعات می‌نویسد: متاسفانه قدرت‌های استعمارگر جهانی، انگلستان، فرانسه، آمریکا و دیگر اسلان و اخلتشان همواره کوشیده‌اند که ساخت پک و مظهر مسیحیت، یهودیت و اسلام را آلوده کنند. همواره در دنیای مسیحیان و یهودیان و از جمله در جمع اقلیت‌های مذهبی ایران دو قشر، دو طبقه یا دو جناح وجود داشته‌اند. همانکه در میان دیگر صاحبان ادیان وجود دارند. توده‌های کاربدیده و زنج‌برده، تصحیل‌کرده‌های مومن و روشن‌ضمیر و متعهد، عاشقان وفادار به مسیح و موسی و مومنان زاهد و متقی و دور از تعلیلات دنیوی از یکسو و بسیاری از سردمداران طبقات مرفه، برخی از کاتیبان و فریسیان و کشیشان و مسقف‌هایی که زنجیر عبادت نفس و بندگی دنیا و اربابین را به گردن آنداخته‌اند و سر در پی آنها نهاده‌اند.

قدرت‌های خونخوار همیشه تلاش کرده‌اند تا با استقرار پایگاه خویش در میان اقتدار و طبقات نوع دوم، آن قشر یا طبقه گروه اول را فریب دهند و پدیده‌های خویشتن‌داری و زادارند، آنگون در همین ایران انقلابی خودمان، آمریکا بسختی تلاش میکند تا چنین وانمود شود که گویا مبارزه سرمستخانه و قهرمانانه امام خمینی یا امریالیسم جهان‌خوار آمریکا مبارزه با مسیح (ع) و مسیحیت است! دولتداران امریکایی طبقه حاکم و سرمایه‌داران و انحصارگران و متخصصان پیچیده‌ترین نوع استعمار در مایالات فاسدند! خود کترین اعقادی به مسیحیت بخندارند. اما اینقدر می‌دانند که یازگی مسیحیت فراموشی! بی‌ضرر نیست بلکه برعکس می‌تواند منافع فراوان نیز بیار آورد. آنها با تکیه بر مزدوران و جاسوسانی که در لباس محترم روحانیت مسیح می‌آمیزند و آسوی می‌فرستند ناجوانمردانه و خائنه نقشه می‌ریزند و توطئه می‌کنند تا یک یا چند کلیسا را به «کلیسای» یا در حقیقت به «کلیسای» برای حل مشکلات «سیما» بدل سازند. از اینرو «برخی» از کشیشان نماها و روحانی‌نماها را آموزش می‌دهند تا با بهره‌گیری از دو نقشه فسمنه و دعوت موجود اقلیت‌های مذهبی ایران را در برابر برادران مسلمانان قرار دهند...

در مطبوعات کشور از که آمختی ادب؟

پیش شب کفاله دوم تلویزیون جمهوری اسلامی، مصاحبه‌ای با صادق قلیزاده، وزیر امور خارجه پخش کرد. هدف و مقصود از پخش این مصاحبه معلوم نشد. گفتند مقام وزارت‌امری نطقه‌نظرهای خود را درباره‌ی سیاست خارجی، پاکسازی در وزارت خارجه، دولت آینده و نهادهای انقلابی، بیان می‌دارد. ولی مگر چندبار قرار است شافلین مقام‌های وزارت‌امری دیدگاه‌های خود را درباره مسائل گوناگون بیان دارند؟ مگر ما نمی‌دانستیم که آقای قلیزاده، مثلاً با ادامه‌ی بازداشت گروگانها و محاکمه‌ی ایشان مخالف است، مگر قبلاً سینه جلونداه و اعلام نکرده بود که هیچ وزارتخانه‌ای بهتر از وزارت خارجه پاکسازی نشده - البته هیچ کس دیگری هم جز قلیزاده نمی‌توانست بدون احساس خجلت چنین ادعائی بکند، زیرا چنین ادعائی، درجالی که بوی بد می‌دهد مطبوعات در سفارتخانه‌های ایران در خارج، به خیلی جاها رسیده و افسا رو می‌خواهد.

از جمله همین دیروز، حجت‌الاسلام نوری که از طرف امام برای رسیدگی به موضوع سفارتخانه‌های ایران مأمور شده بود، ضمن مطالب دیگری، از ساختمان مجلسی که در بهترین نقطه‌ی رم واقع است و متعلق به ایران است، اما امام شاه مخلوع افغانستان در آن زندگی می‌کند، سخن گفت، و این تازه هشتاد و پنج ساله‌ی وزارت خارجه، توسط وزیر است، که یعنی است دریا پاکسازی بهترین نمره را باید باو داد! درباره عقاید و نظریات جناح‌وزارت‌امری، ماچه کمیروسی داشتیم؟ و مگر چندین بار و به بیان‌های مختلف، نظر ایشان را درباره سیاست خارجی تشنیده بودیم؟

یا مگر با لحن حق‌جویانه این سؤال را مطرح ساخته بود که: چرا پاکستان نوکر آمریکاست؟ یک دلیل قانع‌کننده تاکنون کسی برای اثبات این مساله ندرده، فقط شمار آدامانده مگر نگفته‌بود، اتهام وابستگی پاکستان به غرب کلا جنبه‌ی تبلیغاتی دارد و بسیار ناجوانمردانه و بیشرمانه است؟ مگر بر کسی پوشیده مانده بود که ایشان طرفدار همکاری جمهوری اسلامی ایران با پاکستان و ترکیه، یعنی هم‌بمانان سابق شاه ملون در ستو، و هم‌بمانان بی‌گیر آمریکا در ناتو و ستو بوده‌اند! درباره‌ی نهادهای انقلابی، مگر نگفته‌بود که دانشجویان بیرو خط امام، در خط امام نیستند؟ چه چیز تازمائی قرار بود در این مصاحبه گفته شود، و چه موضوع تاروشنی، قرار بود روشن گردد؟ و بالاخره چه چیزی به معلومات ما درباره‌ی دیدگاه‌های وزیر خارجه افزوده شد؟

اما در واقع مقام وزارت‌امری در آخرین روزهای وزارت چیز کلا تازمائی برای مردم داشته، و آن گشودن پارچه‌ی جدیدی در گستاخی بوده، در گذشته، ایشان تنها به کسانی که با سیاست نزدیک‌ی پاکستان و ترکیه، و سایر اقطار آمریکا، مخالف بودند، حمله می‌کردند و دشنام می‌دادند، اما این بار، با بیان شیوای خویش که طی آن در مقام وزارت هم از اصطلاحات چویداران استفاده می‌کنند، آبپاکی را بروی دست همه ریختند، و ضمن تریف و تمجید منسل از شخصیت منبع خود، اعلام داشتند که در این مملکت، جهت دارد بهمانی می‌رسد که هر کس ملیع تر، بله‌قران گوئی و بی‌شخصیت‌تر است، جلوتر است. و اینطور دارد عمل می‌شود و باید چنداناً فامیل داشت که با قدرت‌ها رابطه داشته باشد، اینها را باید داشت، ولی من ندارم.

این دشنام‌ها خطاب بکیست؟ و چگونه است که آقای وزیر خارجه بخود اجازه میدهد بله‌قران گوئی و بی‌شخصیتی را ملاک ترقی و جلوتر بودن اعلام کند؟ در حالیکه خود ایشان هم هنوز آنقدرها عقب نیست، این چه گستاخی و بی‌ادبی است؟ و چگونه است که تلویزیون جمهوری اسلامی این لاطلالت را بخورد مردم می‌دهد؟ آیا چیزی مفیدتر از تکرار مکررات

در جلسه علنی دیروز مجلس



امپریالیسم آمریکایی خواهد باسیج عراق، ترکیه و کشورهای شیخ نشین به کشور انقلابی ما یورش بیاورد

دو فوریتی بودن طرح ترمیم جاده‌ها و پاسگاه‌های مرزی غرب کشور به تصویب نمایندگان رسید. حجت‌الاسلام خلیفای گفت: باید بنا قاطعیت جلوی ضدانقلاب را در تمام زمین‌ها بگیریم.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که ساعت ۹:۳۰ برپاست حجت‌الاسلام رفیعیان تشکیل شد و پس از سخنان قبل از دستور چندین از نمایندگان، دوفوریتی بودن طرح مرمت پاسگاهها و راههای مرزی غرب کشور به تصویب رسید. در ابتدای جلسه دیروز و قبل از سخنان قبل از دستور نمایندگان دکتر یزدی سخنرانی حقیقی، در پاسخ اعتراض احمد سلامتیان مبنی بر عدم طرح اعتبارنامه اش در مجلس، گفت: «این اعتبارنامه بار اول در کمیسیون تصویب شده ولی به علت مندرج بودن نتیجه آراء مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و اینبار طبق رای گیری مجدد رد شد و چون اکنون متن گزارش کمیسیون، که حاوی تمامی دلایل و شواهد باشد، تنظیم نشده، تا تنظیم شدن آن گزارش این پرونده مسکوت میماند...»

پس از صحبت‌های چندین از نمایندگان، قرار شد که گزارشی بر مبنای نتیجه اول رای گیری کمیسیون (رو یا ذکر اینکه ۷ رای موافق در مقابل ۴ رای مخالف و ۳ بی‌اعتنا، طبق آیین‌نامه، دلیلی بر تصویب اعتبارنامه نیست) به مجلس عرضه شود.

قائمی، نماینده بابل، اولین سخنران قبل از دستور، ضمن اشاره به دستاوردهایی که انقلاب تاکنون به آن نائل شده است، گفت: «برخلاف نظر منفی‌بالان، انقلاب ما تاکنون پیروز بوده است...» وی افزود: «اکثر دولتمردان ما با صداقت کار می‌کنند و اکثر اشتباهات آنان نیز ناشی از تصور بوده تا تصحیر، لیکن باید توجه داشتند که بعضی از همین کوتاهی‌ها لطافت بزرگ و جبران‌ناپذیری و انقلاب ما وارد می‌آورد...»

وی آنکه به مشکلاتی که در کلر از گانه‌های مسلکی وجود دارد اشاره کرد و گفت: «هنوز بازماندگان رژیم گذشته در بعضی از ادارات و مراکز مشغول کارند... هنوز بعضی از کارمندان تهیه‌اند که آنها خدمت‌مردم، مغلوب و باید برای مردم خدمت کنند... تازه اکنون (پس از یک سال و نیم از انقلاب) شاهد کشف مراکز جاسوسی در تهران و شهرستانها هستیم... هنوز معلوم نیست که بانکهای ما اسلامی است یا سرمایه‌داری... مثل اینکه باید مرتب کارهای انجام بشود و امام تذکر دهند...» وی در پایان سخنان خود از وضع حوزه انتخابیه خود و منجمله نیامدن هیئت ۷ نفره تقسیم زمین بدانجا سخن گفت.

بشارت، نماینده سمرقند، سخنران قبل از دستور دیگر جلسه دیروز، ضمن اشاره به برخورد نادرست یکی از نمایندگان با تماشاگران در جلسه قبل، گفت: «اینجا یعنی کسانی که هرگز در جلسات مجلس طغوتی شرکت نمی‌کردند، اکنون بجای رفتن به سینما یا هر جای دیگر، به مجلس می‌آیند و بر کار ما نظارت می‌کنند، همینجا ما را انتخاب کردند و به اینجا آوردند... پس درست نیست که چنین برخوردی با آنها داشته باشیم... البته تماشاچیان نیز باید مقررات مجلس را رعایت کنند...»

وی آنکه در مورد توطئه‌های جدید امپریالیسم آمریکایی علیه انقلاب، بخصوص در غرب کشور، گفت: «اکنون مرصدهایی هست مربوط به اینکه شیطان بزرگ آمریکا میخواهد عراق و ترکیه و شیخ‌نشین‌های خلیج را بسیج کند و به کشور انقلابی ما حمله آورد... اما ملت ایران بلدان که ناقوس آزادی و رهایی از اسارتها، ناقوس مقابله استعمار و استبداد، بوسیله انقلاب ما صدا درآمده است... اکنون نهضت‌های رهاییبخش رشد کرده‌اند...»

ناطق بندی، اسدی‌نیا از اهواز، در سخنانی از جمله گفت: «یکی از مطالبی که از ابتدای انقلاب تاکنون به حرکت انقلابی ما لطمه زده است، انتخاب کسانی به تصدی امور بوده است که با اسلام را شناخته‌اند و یا قاطعیت انجام کارها را نداشته‌اند... در انقلاب ما هیچ خطی بجز خط امام نباید مطرح باشد...» وی در باره وضع بانکهای کشور گفت: «دکترای این سیستم اقتصادی و بانکی ما اسلامی است... اینها چه فکر می‌کنند؟ خیال می‌کنند که ملت انقلابی ما به سادگی از این مسائل خواهند گذشت؟ هرگز...»

وی افزود: «هردو باید در جریان حوادث مختلف عملی گناشت... بتوان نمونه آنها باید از جریان توطئه‌هایی که از جانب آمریکا علیه ما می‌شود، آگاه باشند... رسانه‌های گروهی موافقند مسائل مهم‌مملکتی را به اطلاع مردم برسانند... و بدانند که اگر شعار هرگز برامپریالیسم آمریکا می‌دهند... آمریکا اکنون تمام نقاط و بخصوص کرمانستان و خوزستان را مرکز توطئه‌های خودش قرار داده است... و بدانند که تنها شعار دادن خیانت به انقلاب است...»

وی در پایان در باره حوزه انتخابیه خود و قهر وحشتناک حاکم بر مرز نشینها که زمین‌ساز انواع توطئه‌هاست، گفت: «پس کجاست این اقتصاد اسلامی... ضدانقلاب در همین بزم گذارهایی اخیر نمای از این مرز نشینها را با ۵۰۰ تومان به خدمت خود درآورده بود... این هنداری است به کلیه مسئولین امر... باید هرچه سربلند مسئله فقر مناطق مرز نشین را حل کرد... همچنین در باره تبلیغات باید گفت که در نقاط مرزی کرمانستان این تلویزیون‌تراق است که آن مناطق را تحت پوشش دارد نه سیمای جمهوری اسلامی ایران...»

قربانعلی دری‌نصف‌آبادی، نماینده اردل، آخرین ناطق قبل از دستور دیروز، گفت: «امپریالیسم جهانی‌خواه، که منافع خود را با پیروزی انقلاب ایران در خطر می‌داند، از همان ابتدا سعی کرد تا با انواع توطئه‌ها تکان دهد ایران به ثبات سیاسی و اقتصادی دست یابد... او با استفاده از کشورهایی مانند مصر، عمان، عراق، امارات متحده، عرب به توطئه علیه انقلاب مشغول است... می‌خواهد مرزهای ما را مشتج کند و در داخل کشور جنگ روانی ایجاد کند و تکان دهد که حتی بزرگ انقلاب بهربری امام خمینی به ساحل نجات برسد. اینها تفنگداران دریایی خود را در عمان می‌آوردند و تجهیزات جنگی در اختیار مزدورانشان در منطقه قرار میدهند... خوانین و گروهکهای ضدانقلابی را در داخل تقویت می‌کنند... در مقابل تمامی اینها ما باید امنیت ایجاد کنیم...»

وی سپس به زانندامری کشور و ضعف آن در مقابله با تحریکات مرزی ضدانقلاب اشاره کرد و گفت: «اولا پاسگاهها کم هستند و نایابند اما از دستل آنها هوزجذب انقلاب نشدند و از رژیم گذشته‌اند... پس بازسازی و پاکسازی، تقویت و تجهیز آنها باید جزو برنامه‌های نخست‌وزیر و مجلس قرار گیرد...» وی از خطراتی قبل از دستور نمایندگان، نوبت به طرح چند ماده واحد با قید دوفوریتی رسیدن اول ماده واحد مربوط به تعدید مهلت پاکسازی بود. عده‌ای از نمایندگان طی این طرح خواستار تعدید این مهلت به مدت ۶ ماه دیگر شدند. سپس عزت‌الله‌ساحبی در مخالفت با فوریت طرح گفت: «نه تنها تاکنون تمامی افراد ضدانقلابی از ادارات و وزارتخانه‌ها پاکسازی نشده‌اند بلکه کسانی هم که به انقلاب وفادار بوده‌اند، درین

تصفیه‌شدگان هستند... پاکسازی تنها شامل کنار گذاشتن افراد ضد انقلابی نیست، بلکه شامل دگرگونی نظام اداری حاکم بر محیطهای کتوری نیز می‌شود...» وی در پایان خواستار بررسی بیشتر پیرامون مسئله پاکسازی و تدوین شواهد و آئین‌نامه دقیق برای آن شد.

حجت‌الاسلام خلیفای در موافقت با فوریت طرح گفت: «من از مجلس میخواهم که هرچه سربلند به پاکسازی ادارات و وزارتخانه‌ها بپردازیم، زیرا این دفع‌الوقتها باعث رشد ضدانقلابی‌میشود. ما باید با قاطعیت جلوی ضدانقلاب را در همه‌جا بگیریم. ولسی عسما پاکسازی نباید مهمل به تلاشی‌تراشی بشود...» سپس دوفوریتی بودن این ماده بهر برای گذاشته شد و در نتیجه فوریت طرح رد شد و ماده واحد برای بررسی به کمیسیون امور استخدامی مجلس ارائه گشت.

ماده واحد بندی مربوط بود به حفظ کرسی نمایندگی آئینت از نمایندگان، که به وزارت و یا سایر مقامات اجرایی می‌رسند. پس از صحبت‌های فراوان، این ماده واحد به علت مخالفت آشکار این ماده با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رد شد.

آخرین ماده واحده‌ای که در جلسه دیروز برای دوفوریتی بودن آن رای گیری شد مربوط به ترمیم نقش پاسکها و جاده‌های مرزی غرب کشور بود. در توضیح این ماده واحد گفته شد: «برای جلوگیری از خطراتی که به هنگام پیشروی برادران پاسدار و ارتش در خطوط مرزی بروز می‌کند دولت متکلف است موضوع مرمت و بازسازی پاسکها و جاده‌های مرزی را مورد بررسی قرار دهد و اعتبار لازم را برای اسفالت جاده و مرمت پاسکهای ضرورتی‌ترین...»

دوفوریتی بودن این طرح با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید. سپس حجت‌الاسلام رفیعیان در کمیسیون تدوین آیین‌نامه‌خواست که از فرما به بررسی پیشنهادهاى واسله از سوی نمایندگان برای تکمیل آئین‌نامه بهره‌آورد.

در پایان جلسه دیروز مجلس، اسامی غنشین جلسه گذشته و نام کمیسیونهایی که در تشکیل جلسات و شروع جندی کار عمل کرده بودند، اعلام شد.

جلسه بندی مجلس (پنجشنبه ۹ صبح) اعتبارنامه احمدسلامتیان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

در حاشیه مجلس

نمایندگان از وزیر خارجه ناراضی‌اند. قائمی نماینده بابل، ضمن اشاره به بی‌نیشبهای آزادبخش منطقه گفت: «آنها ایرانی گرفتند و به حق هم ایرانی گرفتند که چرا وزیر خارجه ما در این کشورها می‌رود و پلوتوهای طغوتی آنها ملاقات میکنند...» اسدی‌نیا، نماینده اهواز، از جمله گفت: «آرزوی این وزیر مربوط به راهه با وضع سفارتخانه‌های ایران در خارج آمد و با یک توجیهاتی مسائل را رد کرد... در حالیکه مدارک و اسنادی هست که از جلب سفارتخانه‌های ما در خارج به انقلاب ما ضربه هم وارد شده است...» تقاضای مجوزات کاتی که بوظیفه خود عمل نمی‌کنند رضا اصغرفانی، هنگام طرح دوفوریتی ترمیم پاسکها و اسفالت جاده‌ها در غرب کشور گفت: «من می‌گویم اصلا احتیاج به مطرح کردن این چیزها نیست. درست است، این مسئله‌ایست فوری و حیاتی و برای همین باید گوش آنها را که این مسائل را می‌دانستند و تاکنون به آن عمل نکرده‌اند گرفت و به مجوزات قانونی رساند...»

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالتان و محترک انست

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۱۶ آذر شماره ۶۸
دفتر نامه مردم فلا
در اشغال عناصر
فیر مسئول است
NAMEH MARDOM
No. 318
27 August 1980
Price:
West-Germany 8.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

توانسته است ما را به واکنش‌های نادرست، غیر اصولی، عسبی و نابخردانه وادار کند ما کماکان در سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط ضد امپریالیسم و خلقی امام خمینی ایستاده‌ایم و در آینده نیز از هر آنچه که اصولی و اساسی و منطبق با مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تشخیص دهیم، مجدداً دفاع خواهیم کرد.

طی یکسال و نیم پس از انقلاب، حتی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط ضد امپریالیسم و خلقی امام خمینی موجب شده‌است که افراد و عناصر صریح، منصف، منطقی و هوشمند، به صداقت و عمق و اهمیت این مضمی می‌بریند. ولی متأسفانه گاهی از سوی برخی افراد و گروههای غیر مسئول و گاه مسئول، اقداماتی علیه حزب ما صورت می‌گیرد و اتهاماتی به ما وارد میشود که قطع می‌تواند موجب نهایت تأسف باشد. حاکم شرع دادگاههای انقلاب خوزستان، آقای معصود تقی‌طباطبائی، در مصاحبه‌ای که خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی با وی ترتیب داده، در پاسخ سئوالی در ارتباط با فعالیت گروههای سیاسی نظیر مجاهدین خلق، فدائیان خلق،

آزادی فعالیت ...

بقیه از صفحه ۹

ما به انقلاب و تبلیغ و ترویج اهداف ضد امپریالیسم و خلقی آنست. دهها جلد کتاب و نشریه بقلم اعضاء حزب و کادر رهبری آنست، که در توضیح مسائل انقلابی ارائه طرح و برنامه درباره خادترین مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به تحریر درآمده‌است؛ تشکیل دهها جلسه پهرش و پاسخه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران است، که کلیه این جلسات وقف روشنگری آفتار مختلف مردم، بویژه جوانان و مسجیح اشتباهات، ناپاوری‌ها و موارد ابهام آنان درباره انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و تشریح مواضع حزب توده ایران نسبت به انقلاب و مهمترین مسائل آن شده است؛ برپایی صند مجلس سخنرانی از سوی مسئولین حزبی در شهرها و روستاهای سراسر کشور است، که دور افتاده‌ترین اقشار جامعه را با اهداف انقلاب آشنا و در راه تحقق آن بسیج کرده‌است؛ فعالیت روزمره همه سازمانها و همه افراد حزبی است که بر اساس این مضمی اصولی و انقلابی انجام گرفته و می‌گیرد. ما تردید نداشته‌ایم و نداریم که

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق